



مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی بعد از ظهر چهارشنبه (اول) دیمه ۱۳۵۰

- فهرست مطالب
- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲- ادامه بحث و تصویب گزارش يك شوری
- ۳- ختم جلسه .

مجلس ساعت چهار بعد از ظهر بریاست آقای عبداللہ ریاضی تشکیل گردید

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
- رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
- (بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

- ۲- ادامه بحث و تصویب گزارش يك شوری
- کمیسیون بودجه راجع به لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور و ارسال به مجلس سنا
- رئیس - وارد دستور میشویم دنباله بحث در کلیات لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور مطرح است آقای دکتر دادفر بفرمائید .
- دکتر دادفر - با اجازه مقام محترم ریاست قبل از ظهر در کلیات و بعنوان مقدمه و توضیح اصول کارمان و دلایل موافقت با لایحه متمم بودجه مطالبی بعرض رساندم میخواستم مسائل راجع بمطبوعات را که اینجا بیان شد طرح کنم آرام صحبت خواهم کرد که شاید همکاران اقلیت تشریف داشته باشند لااقل ناطقین آنها
- ایلمخانی پور - عبدالحسین آموزگار - دکتر برومند - دکتر حبیب بهبهانی - دکتر جزایری - جندقی - حق شناس - امیر علم خزیمه - دکتر خطیبی - ذوالفقاری - رشیدی - خانم دکتر سرخوش - دکتر فضل الله صدر - خانم دکتر صنیع - ضیاء احمدی - طباطبائی دیبا - مهندس عطائی - غضنفری - دکتر غنی - فروتن - دکتر قرویزین - فیصلی - دکتر کفائی - کمالاتی - کوررانلو - دکتر کیان - دکتر لقمان ادهم - مظاہری - مظہری - نیک پور - دکتر عظیمی - کشفی .

غائبین مریض آقایان :

- دکتر اسکوثیان - خانم اقبال - بختیار بختیارها - بدرخانی - دکتر یحیی بهبهانی - دکتر پرتو اعظم - پرویزی -

که بدانند ما چه جواب دادیم من معتقد نیستم که مطبوعات مملکت ما منحصر بچند روزنامه پرتیراژ روزانه و دو روزنامه ارگان حزبی است من اعتقاد دارم تصور میکنم همه مردم ایران اعتقاد دارند يك روزنامه بصورت هفتگی یا ماهانه یا روزانه در زمینه ادبی علمی و هنری و سیاسی در حد خودش زحمت میکشد و همه اینها مورد استفاده هستند و چه بسا در تاریخ پر آشوب و وطن مسان دیده ایم که روزنامه هائی که شاید تیراژشان خیلی محدود بود ولی در راه خدمتگزاری بمملکت و در راه دفاع از اصول ملیت ما اقدامات بسیار قابل توجهی انجام داده اند و مقالات آنها مسیر افکار را تغییر داده است (صحیح است) همه مطبوعات مورد احترام ما هستند البته هیچ وقت روزنامه ها با توجه به سبک و سیره شان نمی توانند از نظر تیراژ در يك حد معینی قرار بگیرند مثلا در خارج روزنامه ای داریم باسم لوموند با تیراژ سیصد هزاری و يك روزنامه ای داریم مثل فرانس سوار با يك تیراژ سه میلیونی نمی شود گفت کدام ارجحیت دارد هر کدام نسبت بمطالب خودش اثر مخصوصی را دارد اما مطالب مندرجه در جراید که غالباً مورد استفاده بعضی از همکاران اقلیت ما قرار گرفت دو صورت دارد يك وقت يك کسی نامه ای یا شکایتی مینویسد و مطلبی را عنوان میکند یا خبری را میدهد به روزنامه و در ستون مخصوص اخبار یا شکایات درج میکنند و روزنامه نسبت باین مکاتبات و بگومگوهای احياناً تلفنی تعهدی ندارد این هم هدف مطبوعات است و هم قانون مطبوعات اینطور است اما يك وقت روزنامه مقاله ای میگذارد و در زیر آن نظر خودش را اعلام میکند به صحت و سقم يك مطلبی و یا تأیید و تکذیب يك مطلبی و این چیزی است که نظر آن روزنامه است و این است که قابل استناد است در جمعی آنها اگر بشود گفت در پشت تریبون مجلس شورای ملی مورد استفاده قرار بگیرد و لذا بر ماست که ببینیم جراید مملکت ما درباره ما چه میگویند هیچ دلیلی بهتر از این که قسمت اعظم مطبوعات مملکت ما که تعداد آنها از چهل متجاوز است با کمال افتخار اعلام

می کنم که در صف حزب ایران نوین قرار دارند و مطبوعات وابسته بحزب ما هستند و ناشر افکار حزب ما چون پی برده اند که برای خدمتگذاری بمملکت آن تكروی های سابق و آن مطالبی که سابق عنوان میشد امروز فایده ای ندارد و لذا امروز همانطور که حزب ما از هر طبقه و صنف عناصر فراوانی از نظر کمی و کیفی دارد در صف مطبوعات کشور غیر از مطبوعات بخصوصی که طبع کارشان ایجاب میکند هیچ حزبی وابسته نشوند و طبع کار آنها این خصوصیت را دارد با ذکر این مقدمه می خواهم بهمکاران اقلیتی خود يك تذکری عرض کرده باشم و منم بنوبه خود يك انتقادی می خواهم از شما بکنم این روزنامه راه مردم ارگان رسمی يك حزب معروف مملکت است که ۳۷ نفر هم در پارلمان نماینده دارد به بینید چه نوشته است در سرمقاله نه خبر است و نه شکایت است و نه اطلاعیه نوشته دوست میلیون تومان برای تغذیه يك عنکبوت و در اینجا باداره ثبت احوال و آمار اشاره کرده در ستون چهارم با حروف ۱۲ سیاه یعنی برای جلب توجه خواننده نوشته در حالیکه دولت اعتباری بمبلغ دوست میلیون تومان برای تغییر شناسنامه در نظر می گیرد رقم اعتباری که همراه يك جنجال تبلیغاتی برای معلمان کشور آنها از محل درآمد های نفتی نه در آمدهای عمومی ۱۳۰ میلیون تومان است بنده همین قسمت را میخوانم که وقت مجلس بیش از این تلف نشود این لایحه متمم بودجه و لاقبل بعنوان رئیس کمیسیون بودجه میتوانم عرض کنم که در کجای این لایحه دوست میلیون تومان دولت برای تغییر شناسنامه در نظر گرفته است که در همان لایحه فقط ۱۳۰ میلیون تومان به معلمان داده است آقا وقتی يك روزنامه ناشر افکار حزبی اشاعه اکاذیب می کند چه انتظاری دارید عبارتی اینجا نوشته است عین عبارت را میخوانم خانم وزیر آموزش و پرورش شما مسئولیت مشترك دارید ما نمی دانیم وقتی خانم وزیر آموزش و پرورش یا يك رئیس دبیرستان این را خوانده است تا چه حد منفعل شده است باتصویب يك اعتبار دوست میلیون تومانی برای تغییر شناسنامه ها

آنها با وجود يك چنین کمبودها بار سنگینی است از سهل انگاری و قصور که بردوش گرفته است کو دوست میلیون تومان این نشر اکاذیب نیست ؟ این مشوب کردن اذهان عمومی نیست؟ من بعنوان يك وکیل دادگستری می گویم این سه سال زندان دارد (يك نفر از نمایندگان اقلیت - اعلام جرم کنید) خواهم کرد این انتقادات شما در پشت تریبون هم نظیر انتقاداتی است که ارگان رسمی شما در مملکت نوشته است در این لایحه يك رقم کوچک است که يك میلیون و نیم تومان است آنها برای پرداخت مابه التفاوت رتبه کارمندان روزمزد که با قانون جدید تطبیق شده اند و اضافه میشود يك میلیون و نیم تومان را شما دوست میلیون تومان کرده اید آنها در روزنامه ارگان حزب بله نوشتن خیلی آسان است ادعا کردن خیلی آسان است آرزو کردن خیلی آسان است آرزوهای طلائی را برای جلب افکار عنوان کردن خیلی آسان است بنده هم می خواهم که در این مملکت هیچ کس فقیر نباشد بی سواد نباشد و مثلا اگر برای هر نفر يك تخت لازم است من آرزویم این است که برای هر يك نفر يك تخت باشد آرزو کردن خیلی آسان است بنده هم آرزو میکنم تمام کارگران ما تمام افراد ملت ما تمام روستائیان ما دارای مسکن باشند اما آرزو کافی نیست رسیدگی يك بودجه این است که يك واحد داریم باسم صد این صد را چه اولویت بدهیم بکدام بخش چه مبلغ بدهیم که کار مملکت ما بچرخد تا اولویت ها بهتر رعایت شود والا اینکه چرا در فلان جا فلان مطلب نیست یا مدعی بود که تمام مشکلات و مسائل مملکت و نیازهای اجتماعی ما بر آورده شده این محال است يك روز این عرض را کردم توسعه خودش مشکل ایجاد میکند تا نیاز چه باشد بنده يك روزی نماینده مجلس بودم میدانید از دولت چی میخواستیم يك دستگاه در میان کچلی برای بیمارستان مراغه امروز میدانید من چه دارم دو بیمارستان مجهز پنجاه تخت خوابی باتمام بخش های لازم آن روز آرزو درمانگاه بود امروز بیمارستان است آنروز از اینجا تا تبریز آرزویمان بود که راه تمطیح بشود امروز جاده اسفاله مراکز استان داریم و بآن قانع

نیستیم می خواهم راههای روستائی و اساسی هم ساخته شود اینها آرزوهایمان است اگر پول آن را داشتیم والا يك دینار بناحق خرج نمیکنیم کارهایمان طبق برنامه است و دلیل اینکه در برنامه موفق شده ایم يك اثر میتوانیم نشان بدهیم مجموع کارهایی که از برکت انقلاب و پاسداران انقلاب در این مملکت شده مساوی است با کارهایی که در دو قرن اخیر شده اما وقتی ما مطلبی می گوئیم بامی نویسیم باید توجه کنیم مجلس ما که مجلس چهارده و پانزده نیست که من اینجا يك لفظی بکنم و ارباب مطبوعات بنویسند و بکده هم بخوانند و بگویند به به عجب از دولت انتقاد کرد بیائید واقع بین باشید بیائید بگوئید این بودجه ای که الآن در حدود ۴۷۰ میلیون تومان آورده شده و در این بخش ها تقسیم کرده بنظر ما از این بخش بردارید بآن بخش اضافه کنید فلان کار بهتر صورت می گیرد باین برنامه بهتر انجام می گیرد از وزارت آموزش و پرورش صحبت شدم قبل از اینکه به آموزش و پرورش بپردازم چون آموزش و پرورش در برنامه دولت هست و علاوه بر اینکه یکی از اهداف مقدس حزب ماست و يك مطلبی است که مورد توجه شخص اول مملکت است و پرچم پیکار بایسواد رادر جهان رهبر ارجمند ما بدوش دارد شما شنیدید ما هم شنیده ایم ما امیدواریم در آخر برنامه پنجم در مملکت ما از بیسواد دیگر اثری باقی نماند و آیما با این روش وروالی که میرویم به این آرزو خواهیم رسید یانه من نه از آمار و ارقام وزارت آموزش و پرورش کمک می گیرم که شاید مورد قبول شما نباشد و نه آنچه رسماً اعلام شده همکار محترم بنده وقتی که اینجا درباره کازرون می فرمودند گفتند حوزه من در آمار چهل هزار نفر ثبت شده در صورتی که باید ۵۰ هزار نفر باشد زیرا ما چهارده هزار دانش آموز داریم جناب آقای طباطبائی دوست عزیز بنده يك قاعده کلی که منتشره آکادمی سوئد است اینست که هر کشوری که بین ۲۵ تا ۳۰ درصد افرادش در کادر آموزش بودند اعم از دبستان یا دبیرستان و هنر سرا فرض بر این است که تمام اطفال لازم التعلیم آن مملکت از نعمت سواد اندوختن و دانش اندوزی برخوردارند ۱۴ هزار نفر از ۴۰ هزار نفر یاب قول شما ۵۰ هزار نفر

می دانید رسیده ایم به پنج سطحی یعنی به ۲۵٪ رسیده ایم یعنی ۲۵ درصد اطفال لازم التعلیم و نوباوگان شهر شما در مدارس هستند یعنی بی آن در صدی که طبق این نظریه علمی شده فقط سه درصد فاصله داریم آیا باور می کنید که در آخر برنامه پنجم باین سه درصد می رسیم یا آن جهادی که در مملکت ما با بیسوادی شروع شده که نه تنها این جهاد در قلب فرد ایرانی ها است بلکه ضامن اجرای این اصل مهم ملی آن سپاهیان پرشور و افتخار آفرین انقلاب هستند که دانش و سواد را بدورترین نقاط مملکت بنا به امر شاه و در اجرای اهداف ملی می برند و ما از این نتایجی که گرفتیم اگر امروز ما در حوزه شما به بیست و پنج درصد جمعیت رسیده ایم رسیدن به سی درصد تا آخر برنامه پنجم کار مشکلی نخواهد بود البته در اینجا گفته شد کمبود معلم است بنده نه متصدی وزارت آموزش و پرورش هستم و نه میدانم هست یا نیست و این وظیفه مقامات آموزش و پرورش است که بگویند اما جناب آقای فرهاد پور دوست عزیز بنده بکرات دیده اید و شنیده اید که خوشبختانه پیشرفت وطن ما مافوق برنامه است که ما برایش تنظیم کرده ایم پیش بینی ما در برنامه چهارم این بود که ۶۲ هزار نفر دانشجو در دانشگاهها و دانشسراها باشد امروز که یک سال و چند ماه از برنامه چهارم باقی مانده تعداد دانشجویان ما در مدارس عالی از مرز هشتاد هزار گذشته یعنی آنچه که ما پیش بینی میکنیم حتی در برنامه های دور پرواز با جاه طلبانه خوشبختانه جهش مملکت ما آنچنان است که آن برنامه ها را پشت سر گذاشته است اگر این اصل را قبول داشته باشید آنوقت مسئله ده هزار ۲۰ هزار دانشجویی که امسال اضافه داریم و سال آینده خواهیم داشت گویا اینکه میشود ابراد گرفت که چرا معلم کافی نیست اما چرایش این است که ۶۲ هزار نفر دانشجو پیش بینی میکردیم مملکت ما امکان داده است که هشتاد هزار داشته باشیم در همین بودجه در ردیف های مختلف می بینید کمک بدانشگاه تبریز کمک بدانشگاه تهران و کمک بدانشگاه پزشکی میداند چرا اینها آمده برای اینکه جذب دانشجویان بدانشگاهها بیشتر از برنامه ریزی بوده آن برنامه ای که جاه طلبانه بنظر میرسد در آموزش ابتدائی هم اینطور است

و مردم وطن ما چنان شور و علاقه ای به آموزش دارند که به نسبتی که وزارت آموزش و پرورش معلم استخدام کند باز کمبود دارد سابق اینطور نبود سابق کشاورزان عاقل تحصیل نموده سابق خیاط بجهت اش را به شاگردی خیاطی و امید داشت سابق بچه های شان را به کلفتی و نوکری می گذاشتند اینها امروز درس میخوانند و هر روز تعدادشان بیشتر میشود و معلم هم سبب و پر تقال نیست که از لبنان وارد کنیم معلم باید تربیت شود باید آماده شود البته همیشه یک عدم تعادلی در اینهمه پیشرفت که ما در فرهنگ داریم پیدا میشود که موقتی است و بر طرف میشود یعنی در آخر برنامه پنجم این امری است که رهبر مملکت ما صادر فرمودند و باید به آن برسیم آموزش و پرورش مطرح شد این را تذکر بدهم این تربیون مقدس است هر چه ما اینجا بگوئیم مصونیت داریم عدم مسئولیت پارلمانی اما آن اصلی که این اختصار را بما داده برای مایک ترمز هائی هم مقرر کرده آن ترمز هاترمز وجدان و ترمز توجه بحقوق مردم است در اینجا کسی را باید متهم کرد که از این صندلی بلند شود و بیاید اینجا دفاع کند در هیچ محکمه ای نمیشود علیه کسیکه غایب است ادعای صادر کرد و سند درست کرد. باید سند ارائه داد خوب است اگر چنین باشد در اینجا در دادگستری بگوئید بعد قضاوت کنید کی جرم مرتکب شده کی جرم مرتکب نشده همکار بسیار عزیز من آقای شیخ رضائی در اینجا چند نفر کارمند تعلیمات فنی و حرفه ای را با اسناد بکه ارائه کردند متهم کردند که اینها گناهی مرتکب شده اند تکذیب نمیکنم شاید شده اند و این را قبل از ایشان خود دستگاه تعقیب کرده بدیوان کیفر فرستاده کیفرخواست صادر کرده تحت رسیدگی است اگر بخواهیم بگوئیم در چه حد است من نمیدانم اما تا این حد میتوانم بگویم که بعنوان قوه مقننه نمیشود دخالت در قوه قضائیه کرد چون قوه قضائیه قوه ای است مستقل برای خودش قضاوت میکند و رأی صادر میکند دادگستری قوانین خود را تغییر نمیدهد مگر اینکه ما قانون دیگری وضع کنیم و هر وقت چنین قانونی تصویب کردیم آنها هم باید اجرا کنند مثلا هر وقت قانونی تصویب کردیم که تا

سه روز در موردی حکم اعدامی صادر یا تبرئه اش را دستش بدهد هر وقت ما تصویب کردیم آنها هم اجرا میکنند اگر در دستگاهی دو یا سه نفر خاطی پیدا شده نمیشود منکر سلامت فکری و تقوای تمام کارمندان شد آقا ما یک مکتب سیاسی هستیم مذهب که نیارده ایم برای مملکت که بگوئیم تأخیر در انجام آن گناه کبیره است البته در یک دستگاه بانصد هزار نفری دولت میشود ده نفر پنجاه نفر فرضا خاطی باشند و بهمین دلیل دیوان کیفر وجود دارد اما اگر پیش بینی خطارا نمیکردیم اول باید در دیوان کیفر را می بستیم نه بستیم این برای کیست برای کسی است اگر دزدی کرد اگر آدم خطا کار بود تعقیبش کنند در یک اجتماعی بدکار خطا کار ممکن است باشد ولی دستگاه و سازمان اداری این خطا کاران را تعقیب میکند بدیوان کیفر می فرستد کیفرخواست صادر میکند حالا شما دارید می گوئید که چنین نیست اما این مسئله چرا نقص مدیریت است ضعف مدیریت هست باید رئیس قسمت می فهمید البته آنها هم برعهده دستگاه بالاتر از آن سازمان است که باید رسیدگی کند اگر ضعف مدیریت نبود اتفاقی بود اگر هر کس بجای آن مدیر بود باز این کار میشد گناهی نیست بنده که در یک دستگاهی کار میکنم نمیتوانم همه چیز را بیایم از دید خودم بررسی کنم مگر در این بانکهای شما که خصوصی هم هستند تعدادشان هم از ۴۰ یا ۳۰ متجاوز است چند نفره نشان بدهم که کارمند شما با مشتری ساخته پول بانک را دزدیده (فرهاد پور - و آن کارمند را هم سر کار نگاه نداشتند و آن کارمند را هم ترقی ندادند) بنده پرسیدم بعد از اینکه برای کارمندی ادعا نامه و کیفرخواست صادر شد طبق تبصره ۱۹ اصولا معلق است و تا تبرئه نشود نه مقامی میتواند داشته باشد و نه پستی باومیدهند و نه بآن حقوق میدهند

بنابر این من میگویم اگر چنین کاری شده عمل غیر قانونی بوده و مجریان آن مجرم هستند (فرهاد پور - برنامه به این پراهمیتی را منحصر به سه نفر کردید) (عباس میرزائی - يك نطق نشسته هم شما کردید) بهداری کمبود پزشک دارد کی متکر است که کمبود نداریم و کدام کشور است که مدعی باشد کمبود ندارد پزشکی که فقط هفت هشت سال

دوره دانشکده و چهار پنج سال دوره تخصصی و بعلاوه ۱۲ سال دوره متوسطه و بالاخره يك عمر بیست ساله را بعنوان تحصیل صرف میکند که متخصص شود و مشغول کار شود این ضابطه را معین کردن و بقول جناب عالی سوق دادن و هدایت کردن که امسال در دانشگاه ما ۸۰ هزار نفر در کنکور شرکت کردند در حالیکه ما احتیاج ده هزار پزشک داریم آقا انتخاب رشته آزاد است ولی این امر باین ترتیب تحقق پیدا نمیکند که من و جناب عالی عده ای را اجباراً ببریم دانشکده پزشکی این پزشکی که باین ترتیب فارغ التحصیل شود پزشک نیست پزشکی و معلمی مشاغل هستند که با معنویات مردم سروکار دارند با جان مردم سروکار دارند این عمق و شور میخواهد این داوطلب را نمیشود بزور فرستاد بدانشکده پزشکی که مثلا آقا من پیش بینی کردم که سال آینده ۳۰۰ نفر لازم است و ۳۰۰ نفر هم باید طبیب بشوند این کار را اگر بکنیم آن ۳۰۰ نفر طبیب نیستند شما آقا به نسبت جمعیت و نسبت بیمارستانها باین خیلی بیشتر از کشورهای خیلی پیشرفته که در تمام قسمتها ظاهر بعنوان قدرت بزرگ جهان موجب تقدیر و افتخار هستند پیشرفت دارید برای اینکه همانطور که عرض کردم یک وقتی در این مملکت درده پانزده سال قبل فقط يك درمانگاه با ۲ دستگاه ماشینی که کچلی را معالجه بکند تراخم را معالجه بکند مملکت ما داشت اداره میشد امروز خوشبختانه مادر اغلب مراکز استانها و مراکز وابسته بدانشگاهها در اغلب شهرها طبای عالیقدر داریم روستاهای ما طبیب دارند بهیمن قدم سپاهیان بهداشت که در خدمت روستائیان قراردادیم میتوانیم مدعی شویم که کمبود پزشک نداریم یا اگر داریم مرفع می کنیم اصولا برای معین مسئله است که سپاه دانش بهداشت ترویج و آبادانی بوجود آمده اند این سپاهیان که بکی از ستونهای اصلی انقلاب ما هستند که افتخار مملکت ما هستند سپاهیان غیور و افتخار آفرین کانون سپاهیان انقلاب را حتی بعد از فراغت از وظیفه در صفوف خود نگاه داشته و از آنها وظیفه مجانی میخوانند شما از من آمار میخواستید من چه آماری برای شما بهتر و پر شکوه تر از رژه این سپاهیان نشان بدهم که ۴۰۰۰۰۰ هزار نفر در ششم بهمین

کشاورز معلم استاد دانشگاه زیرلوی حزب ایران نوین از جلوتی شمال شاهنشاه رژه رفتند و هورا کشیدند اگر منکرید بروید دوباره فیلم آنرا تماشا کنید (فرهادپور- ۳۰ میلیون ایرانی رژه میروند و در این مراسم شرکت می کنند) رژه شمارا دیدیم آن ایرانیانی که زیر پرچم حزب مردم رژه میروند دیدیم در آنجا خوشبوختانه تمام این صفوف شخص هست ایرانی ها تمام رژه میروند اما هر کسی زیر صنف و پرچم خودش و با آن پانصد هزار آرائیکه ادعا شد بشما نشان دادیم و در این ششم هم نشان خواهیم داد (فرهادپور- مادامیکه مردم گرفتار شما باشند ۸۰۰۰۰۰ هزار نفر هم میتوانی نشان بدهید) (عباس میرزائی - اسمش را میگذارید گرفتاری) در اینجا عنوان شد که در بعضی از دهات لوله کشی آب نیست منم قبول دارم شما میفرمائید در بعضی من عرض می کنم شاید در نصف دهات هنوز لوله کشی نیست اما فراموش نکنید در سال ۱۳۳۲ من در پاریس محصل بودم در آنجا وقتی قضایای نفت ایران مطرح بود نام ایران که آنروز بآن ترتیب و آن وضع شهرت داشت و امروز که به این قدرت غرور و عظمت شهره جهان است روزنامه فیگارو و مخبرش ادوارد سابل به آن مقاله را نوشته بود که مردم تهران آب رویاز جویهای خیابانها را به انبارهایشان پرمیکنند و مصرف می کنند یکی از همکلاسه هایم از من پرسید واقعیت دارد

گفتم بله در سال ۱۳۳۴ در تهران بودم شانزده سال پیش باز پرس تهران بودم محله قلعه وزیر نشسته بودم در همین جا در امیریه روزی دو سطل آب میخریدم بکفتران برای خوردن و آب میآمد در آب انبارها پرمیشد ۱۶ سال قبل از این امروز و از برکت انقلاب از ۸ سال قبل باین طرف تهران شما بادوسد بزرگ لارو کرج برای سه میلیون نفر آب مشروب تهیه کرده و به پنج میلیون نفر هم آب خواهد داد در شهرهای شما بدون استثنا نصف دهات شما کلا از آب لوله کشی بهداشتی استفاده میکنند در ظرف ۸ سال و ده سال این اعجاز است البته ما آرزویمان این است که باز هم همه افراد ملت آب لوله کشی مشروب داشته باشند توفیق هم پیدا خواهیم کرد و من بشما اطمینان میدهم که با توجه

به بودجه های سال قبل و با توجه با امکانات سال بعد در آخر برنامه پنجم مسئله ای بعنوان آب در مملکت وجود نخواهد داشت اما آرزو کردن و خواستن که همین فردا بشود عملی نیست با کدام اعتبار؟ صحبت کردید که وزارت آموزش و پرورش با وزارتخانه های دیگر محل اجاره کرده اند و اجاره بهای زیاد و گران میبرد از نیک اصل این است که این وزارتخانه ها در یک جاهائی استیجاری سکونت دارند و یکی اینکه گران اجاره کرده اند اگر گران اجاره کرده اند من نمیدانم امیدوارم معلومات شما در این مورد کافی باشد و اگر خارج از عرف و عادت یک محلی را گران تر از عرف و قیمت واقعی اجاره کرده باشند خیانت است دزدی است و مسئول باید مجازات شود من و شما هم در اینجا شریکیم هیچ اختلافی نداریم اما چرا اجاره کردند چرا نساختند در این لایحه بودجه هم بگوئیم که آقا با ۵۰۰ هزار تومان بروید ساختمان بسازید ساختمان که باشعرا ساخته نمیشود برای اینکه ساختمان ساخته شود آنهم ساختمانی که هیچوقت ساختمان مسکونی پیش از ۶٪ یا ۷٪ درصد بهره برداری نمیشود. با پولیکه من الآن کارهای لازمی میتوانم انجام بدهم نمیشود بعهله ساختمانی کرد مجلس شورای ملی الآن ۱۰ سال است جلسه سالن علنی اش ساخته نشده چرا ساخته نشده برای اینکه ما باین پولها بیش از آنچه که ساختمان جلسه مجلس را بسازیم در جاهای دیگر احتیاج داشتیم این چهار صد میلیون تومان بجای اینکه بدهیم بده ، پانزده سازمان برای خودشان ساختمان بسازند دو سال سه سال اجازه نشینی میکنند ولو گرانتر باشد کدام آدمی است که یک سرمایه کسی داشته باشد آن سرمایه را از حجره اش بکشد بیرون خانه بسازد این از کاسبی میافتد اگر در کارش منفعت کرد خودش میآید دوتا سه تا طاق میسازد تویش می نشیند والا سرمایه کسبش را که نمیتواند خانه بسازد اگر از بودجه ۸۰ میلیاردی بیاییم ۸۰ میلیارد برای ساختمان دولتی بخش کنیم و در ضرورتش هم هیچ تردیدی نیست و این یکی از کارهایی است که دولت حتماً باید بکند این نه تنها از اینکه اجاره ندهد جالب است از نظر این است از نظر مناسب بودن محل کار از حیث مملکت ضروری است که باید ساخته بشود ولی

در این قسمتها یک ضرورت داشته و پول هم نداشتیم باز بوزارتخانه هائی مثل وزارت خارجه اجازه دادیم برود ۲۷ میلیون تومان از بانک مرکزی وام بگیرد برای خرید زمین و ساختمان در نمایندگیهای سیاسی جدیدی که در بحرین، کویت، قطر باید دایر کند چون این آبروی مملکت ما بوده اگر بودجه ندارد برود از بانک مرکزی وام بگیرند اما در کار وزارت آموزش و پرورش چون هنوز میتوانیم وجه اجاره بنای اداره فرهنگ استان وزارت آموزش و پرورش را ۲ سال دیگر هم بدهیم صرف نظر خواهیم کرد و میوهیم بحثی هم نیست این بودجه همانطور که عرض کردم باعث افتخار است چند روز قبل من شاهد با مستمع بیانات نخست وزیر در شورای مرکزی حزب ایران نوین بودم آنجا عنوان کردند که بزودی بودجه سال ۱۳۵۱ را میآوریم و اما چون در هیأت دولت هنوز تصویب نشده من بعنوان مسئول حزبی در جلسه حزبی می گویم می دانید چه می گویند می گویند ۲۱٪ بودجه ۵۱ شمانسبت به پنجاه اضافه خواهد بود یعنی ۵۸۸ میلیارد رحمت بر این مدیریت افتخار بر این دولت افتخار بر این مردانی که این چنین توانستند هر سال به میزان ۲۱٪ بودجه مملکت را بالا ببرند به میزان ۵۰۰ میلیون تومان ۵۰۰ میلیون تومان برای شما اضافه اعتبار میآورند انتقاد شده است در روزنامه راه مردم که این ۳۶۰ میلیون تومان از پذیره نفت است بموجب قانون می بایست می رفت بسازمان برنامه حالا آمده بهزبه عمومی قانون سازمان برنامه چهار پنج سال است تصویب کننده اش مجلس است و اجرا کننده اش این دولت امروز اگر مایک عوایدی از نفت بخواهیم بیا باید یک ساعت با چند ساعت در اینجا بحث کنیم افتخار بآن کسانی که آمدند با فکر خود این امر را انجام دادند در اینجا روی سخن با حقوقدانانی است که در اینجا نشسته اند بهتر می دانند عظمت این قرارداد را بدون اینکه رقمی از آن را عوض کنند توانستیم از کنسرسیونم ۵۰۰ میلیون تومان بگیریم آفرین باد بر رهبر بزرگ بقرارداد دست نزدیک لغو نکردیم اما یک رقم اعتراضات ماکه اعتراض جدیدی هم داریم برای مردم وطن ما ۵۰۰ میلیون برای کشور های حوزه خلیج فارس

در حدود یک میلیارد در آمد داشت که این پولها را الآن بعضی های آقای البکر می گیرند و بصورت امواج بر علیه ما می فرستند اینهم حقشناسی آنها هیچ این قرارداد را خوانده اید می دانید به چه صورت هست اصولا در دنیا بی نظیر است مبلغی می گیریم بعنوان اینکه بیاید حفاری کند اگر نفت پیدا نکرد دیناری پول حق ندارد اگر در مدت معینی تجارنی شد تازه تابع قوانین ایران دعاوی حل و فصل می شود خلاصه ۹۰ درصد از این عواید بنام مالیات و سهم مالکانه و غیر ذلک که اینجا مطرح نمی کنیم مال ملت ما است بعنوان اینکه این آدم بتواند دیناری کارش را شروع کند ما امسال معادل ۳۶۰ میلیون دلار پذیره گرفتیم خوب این عواید را چه می کنیم شما خیال می کنید ما دلمان نمی خواست که این اضافه حقوقی که برای معلمین امسال دادیم پارسال بدهیم ما می دانیم که معلمین ، آموزگاران ما از سطح کلاس ابتدائی گرفته تا دانشگاه اینها مریدان جامعه ما پرورش دهندگان فرزندان ما سازندگان ملت ما و ایران آینده ما هستند ما باینها احترام می گذاریم (صحیح است) ما پارسال هم می خواستیم آن اضافه را بدهیم اگر نتوانستیم و امسال می دهیم برای اینست که آنچنان احترام باین طبقه داریم که آمده ایم پذیره نفتی خودمان را که بموجب قانون ۸۰ درصد به سازمان برنامه می دادیم همه اش را در این متمم بودجه آوردیم و باین طبقه شریف و آندسته از کارمندان که بموجب قانون جدید استخدام کشوری ذبح هستند تخصیص دادیم آیا بیش از این میتوان در فکر رفاه اجتماع بود ؟ دوست عزیز ما اشاره ای کردند که قبل از انتخابات وعده ای باصناف تهران داده شده است چه شد اصناف کسانی هستند که صبح میروند بمغازه هایشان بنام خدا دکانشان را باز میکنند و آتهائی که سالم هستند عصر هم میروند توی خانه شان خدارا شکر میکنند اما این اصناف که تعبیر شد اصناف پانزده سال قبل هستند که سر رشته شان هم بدست متولی های محله بود آن متولی ها هم هفته ای یک روز روزهای جمعه در تهران آقیان میدانند که خانقاه هائی بود رجالی بودند و برای آنها اهتبی داشتند درش را باز میکردند و چای و قلیانی براه میآید اختند و بواش بواش ریش سفیدان محله میآمدند و مسائل مختلف

سیاسی و اجتماعی آنجا زیور و میشد و آن اصناف اگر درد دلی مشکلی داشتند پیش آن رجل و پیش آن متولیان حل و فصل میکردند ولی اصناف امروز دیگر آن اصناف ۱۵ سال قبل نیستند اصناف امروزی مسا من نمی خواهم قسم بخورم نشسته ام پای صحبتشان از من و شما اگر بیشتر ندانند کمتر نمایند بکار مملکت خیلی واردند اینها میدانند حزب یعنی چه تشکیلات یعنی چه، حزب با همکاری اینها میدانند چکار کردن برای اولین مرتبه در تاریخ اجتماعی این مملکت یک لایحه مترقی نظام صنفی را تصویب رسانید که طرحش هم از حزب ما بود اینها را جمع کرد و آن مالیاتی که شما اشاره کردید ضمن این قانون آمده اصولاً باید مالیات اصناف بدست نمایندگان اصناف و در اتحادیه های صنفی حل و فصل بشود همانطوریکه گفته شد وزیر کشور دستور اجرای این قانون را داد بمحض اجرای این قانون که لابد آن دارد اجرا میشود یا مقدمانش فراهم شده خود اصناف برای خودشان محاکم صنفی دارند اتحادیه های صنفی دارند که بموجب آن قانون عمل خواهد شد (نامور - اتحادیه های صنفی مورد تأیید اکثریت مردم نیستند تحقیق بفرمائید) جناب نامور در اینجا به اصالت اینکه کدام انتخابات و کدام اتحادیه مورد تأیید اعضایش هست باینست بحثی ندارم فرمایش جنابعالی را هم در نمیکنم ولی یک چیزی بخوام عرض کنم طبع دموکراسی این است که در یک انتخابات یک عده ناراضی هستند مثلاً تعدادشان کم بود و کاندیداهایشان موفق نشده اند باید دید کدام دسته بشما مراجعه کرده اند آن دسته ای که در انتخابات شکست خورده اند یا موفق شده اند در هر صورت بکیفیت انتخابات هم در این اتحادیه های صنفی بموجب آن قانون مصوب قطعاً برای آن کار قواعد و نظاماتی پیش بینی شده است اگر در یک مورد خلافی تخلفی عدم رعایت قانونی مشاهده شد تذکر خواهید فرمود مسئولین تعیین شده در آن قانون توجه خواهند کرد. در اینجا صحبت شد راجع بوسائل مخابراتی بطور کلی نسبت باینکه یک پاسکی از شهری بشهر دیگر در ۳۵ روز رفته مطالبی عنوان شد شاید هم بتاخذ در کشوری که تا ده سال قبل تلفنی خود کار نداشتیم، همه

ما اهل شهرستان هستیم وسیله بین شهرها غالباً آن قارقار کهای عهد بوق بنام تلفن بود که وسط مکالمه چندبار قطع میشد یا غالباً اصلاً موفق به برقراری ارتباط نمیشدیم اما امروز از دوماه قبل بمناسبت جشنهای میمنت اثر ۲۵۰۰ سال بنیانگذاری شاهنشاهی ارتباط مستقیم با بوشهر و بیهان برقرار شده و تا آخر سال آینده که برنامه عمرانی چهارم مملکت تمام میشود اغلب نقاط مملکت و مراکز شهرستانها با سیستم ماکر و ویویا هم متصل میشوند گفت: ما کجائیم در این بحر تفکر تو کجائی پیشرفت و اصولاً توجه بامر مکالمه اعم از تلفنی و تلویزیونی و بی سیم و با سیم بحدی است که ما میگوئیم الآن در در آمریکا کسی نطق میکند یا در میدان ورزشی شوروی کسی تویی میزند ما با استفاده از ماهواره مخابراتی در جو که شریک هستیم و تأسیساتی که در اسد آباد همدان داریم ملتمان تماشا میکنند حالا فرض کنید یک مأمور پست که آدم بیحالی بوده پاکتی را اول گم کرده بعد پیدا کرده و بعد از ۳۵ روز بمقتدر رسانده است یک مثال نادر کالعدم را نباید تشریح داد بکار کلیه دستگاهها (نامور - الآن دستگاه پست مرتب است؟) ما در پست و تلگراف هم مانند سایر امور خوشبختانه همانطوری که اشاره فرمودند برنامه ریزی لازم داریم و برنامه هم داریم جناب نامور بساور بفرمائید قسمت اعظم مشکلات ما و گرفتاریهای ما در مملکت از این نظر ناشی است که ما در عین حال که مظاهر و وسایل و مدنیت صنعتی جدید را میگیریم نمیخواهیم و حتی در این نخواستن اصرار داریم که با آن همه قواعد و اصول مربوط بآن مسائل خودمان را تطبیق بدهیم شماها همه تان باروپا تشریف برده اید و یا نامه هائی باروپا میفرستید و یا نامه ای از اروپا برای شما میرسد معمولاً پاکت پستی را درست راست تمیز میزنند، بعد اسم گیرنده را می نویسند بعد آدرس و بعد شهر و مملکت را مینویسند آقا صدها بار وزارت پست و تلگراف گفته خواهش کرده پاکت نمونه چاپ کرده که اینطور بنویسید باز هم الآن که می نویسیم اول می نویسیم مراغه بعد اسم حضرت ابوی را و حاضر نیستیم این روش را تغییر دهیم تا آن ماشین بتواند این را بخواند و تقسیم بندی

بکند یکی تمبر را گوشه چپ میزند دیگری راست و آن یکی پشت پاکت آنوقت مجبور میشوند بجای ماشین و خود کار با دست یکی یکی را مهر بزنند.

عباس میرزائی - مشکل آقای صمد نامور را حل کردید.

نامور - آقای نماینده کارگران

دکتر دادفر - این مسئله را نمیخواهم تشریح بدهم بامور دیگر و از جمله تصادف در راهها همه ما از وقوع تصادفات و کشته شدن رانندگان و مسافری در جاده ها و شهرها متأسفیم اما یکروز یکی از دوستان گفتیم این اتومبیلی که هر کس سوار میشود در عین حال که وسیله راحتی و نقلیه او است و او را از محل کارش بمنزل میرساند در عین حال مانند یک اسلحه و تفنگ است که پرافشنگ باشد اگر بی احتیاطی کنند این تفنگ در میروند و آدم را میکشد ما باید ببینیم در این تصادفات بعد از بررسی چطور ۹۰ درصدش ناشی از حس مقاومت عجیب ما است نسبت بقوانین و آئین نامه هائیکه در صلاح خود ما وضع می شود آقا این یک واقعیت است باید مردم آشنا شوند این هم وظیفه دستگاه دولتی است که آشنائی بیشتر بمردم بدهد که وقتی چراغ قرمز است بایستند اگر چه مأمور آنجا نباشد حرکت کردن هنر نیست با جان خود بازی می کنند این مشکلات در تصادفات اکثر آشنائی از سهل انگاری است پورسانتاز تصادفات همین جاده قزوین یک به ۹ هزار و صد است از پزشکی قانونی پرسید از هر نه هزار و صد وسیله ای که از این جاده عبور می کند یکی تصادف میکند ملاحظه بفرمائید ممکن است این یک تصادف تقصیر راننده و کمک راننده و عدم آشنائی به جاده و غیر ذلک باشد موارد دیگر عدم احتیاط سرعت زیاد و خستگی و مانند اینها است که ۹۰ درصد تقصیر با راننده است ده درصد هم ممکن است از کم عرضی جاده و عوامل دیگری باشد ولی ما میخواهیم بجای جاده ۱۲ متری بقول دکتر متین هایوی داشته باشیم یعنی جاده عربض ده خطی مگر این اتوبان تهران کرج بد است؟ شما پشهرداری اشاره کردید میدانید در ظرف دو سه سال اخیر شهرداری ما انجمن شهر، شهردار حزبی ما در همین شهر تهران

تا جائیکه مقدورش بود و نمی خواسته است خاک بخورد و ملک بخرد و خانه خراب کند با احداث خیابان چردن و امتداد اتوبان چه اندازه تسهیلات در عبور و مرور مردم فراهم کرده است (صحیح است) تا سه سال قبل باران که می آمد بامنظره شرم آوری رو برو میشدیم که آب به خانه مردم میرفت در ظرف دو سال در زیر تهران کانسال آب بر احداث شده شما امسال دیگر منظره کول گرفتن مردم نردبان انداختن تخته و کیسه شن گذاشتن جلو خانه مردم را نمی بینید یکی از همین مدخلهای زیر زمینی جلوی کتابخانه مجلس شورای ملی است آنجا صبح ها اگر تشریف ببرید بخار میزند بیرون و متوجه میشوید این کارها در همین تهران در همین دو ساله شده است شما در سی سال باینطرف فقط فقط پارک سنگلیج را داشتید حالا گوشه بگوشه یک پارک آبرومند و زیبا دارید نمیدانم بیست تا است سی تا است چقدر است. آقا در دو سال ۴۰۰ خیابان اسفالت اساسی شده یک خیابان از میدان کندی تا خیابان فرودگاه بطول ۵ کیلومتر و عرض ۳۷ متر خیابان دیگر از بهارستان تا بل چوبی بعرض ۳۵ متر و همینطور بقیه از نقشه جامع انتقاد شد روزی که نقشه جامع مطرح شد و در فراکسیون بحث شد خود من در پشت این تریبون این مطلب را گفتم که تناقضش را چطور حل کنیم از یکطرف نقشه های اجرایی تفصیلی این نقشه جامع نباید اجازه ساختمان داد از طرف دیگر اگر ما بخواهیم اجازه ساختمان بدهیم چه بسا که وقتی آن نقشه اجرایی شروع میشود و ترسیم میشود این نقشه بآن ساختمان صدمه میزند و این ساختمان در مسیر نقشه های تفصیلی قرار میگیرد وجود این نقشه ها موجب کمبود نسبی مسکن در تهران خواهد شد اما تهرانی که در شهریور ۲۰ شاید ۴۰۰ یا صد هزار و حالا سه میلیون نفر جمعیت دارد بمسئله آذربایجان اشاره فرمودید شما مرد وطن پرستی هستید و سابقه خدمت تان هم روشن است به وقایع آذربایجان و به فدا کاران اشاره کردید خود من گواهی میکنم که یکی از سربازان جانباز آن وقایع زهتاب فردی است که خودش را با کمال خضوع میگوید رحیم زهتاب فرد و هم چنین همکار عزیز دیگر ما آقای دیهم و سربازان جانباز دیگری بله در همین وقایع آذربایجان مردم آذربایجان در ظرف ۶ ماه ۵۰

هزار نفر به تهران کوچ کردند میدانید چرا برای اینکه وطنشان اشغال شده بود برای اینکه آذربایجان تاب تحمل دیدن چکمه‌های خارجی را در وطن نداشت . حال که میدانید تهران شما اینقدر وسعت پیدا کرده از این سه میلیون نفر علی‌التحقیق یک میلیون نفر مهاجرین هستند که در آن زمان از آذربایجان بطرف قدرت حکومت مرکزی آمدند و مشکلاتی ایجاد شد آنوقت نظارتی در کار نبود بودجه نبود هر کس آمد گوشه‌ای از تهران و اطای ساخت و توی آن نشست تهران ببقواره بزرگ شد آب رساندن اسفالت دادن ، برق رساندن یکی از مشکلات تهران شد شهرداریهای مابعد از انقلاب فقط بر اثر جانفشانی آن سربازان پاسدار انقلاب شهر نقشه جامع پیدا کرد من مهندس نیستم ممکن است بنظر یک مهندس این نقشه ایرادی داشته باشد و بنظر مهندس دیگری خوب باشد، کدام طبیبی است که در تشخیص و مداوای مریض با طبیب دیگری نظرش یکی باشد یکی شان میگوید من تابع مند آمریکائی هستم و این روش را جایز میدانم دیگری میگوید باید طبق مند اروپائی معالجه کرد من چون مهندس نیستم نمیدانم نقشه جامع شهر ایده آل است یا نه ، این حد من نیست از طراح و مهندسینش باید پرسید . برای شهرهای دیگر هم نقشه جامع لازمست الان تکلیف تهران روشن شده بعد از نقشه جامع باید بتصویب میرسد بعد از دو سال از تصویب بایست نقشه‌های تفصیلی طرح رانیه کنند تصدیق میفرمائید با این کمبود مهندس با این کمبود اهل فن تصور نمیفرمائید که طرف ۴ سال هم نقشه‌های تفصیلی تمام تهران آماده شود اما من روی یادداشتی که خود شهرداری بخط خودش بمن نوشته است که میتوانی اعلام کنی عرض میکنم الان نقشه‌های اجرایی تفصیلی نقشه جامع شهر تهران کلا آماده است آقا این برای دستگاه شهرداری موجب افتخار است منکر نشوید یک عده زحمت کشیدند حالا وقتی نقشه‌های تفصیلی را تهیه میکردند همان مهندسی که شما اشاره کردید مشکلاتی هم در همان نقشه اجرایی در بعضی جاها برای مردم تهران پیش آمد کرده است که انجمن شهر تهران حل کرده است باین ترتیب ما باید در عین حالی که آرزو میکنیم شهر ما مترو داشته

باشد که همه میگویند چرا مترو نداریم چرا نمیتوانیم مترو داشته باشیم نمیدانم چقدر خرج بر میدارد برای حمل و نقل عمومی شهر تهران یک اعتباری در حدود یک میلیارد ریال لازم است اما از همان مدرسه‌ای که شما عنوان فرمودید از همان روستائی که نماینده محترم دیگر گفت راهش تکمیل نشده برداریم بیائیم در تهران یک میلیارد خرج کم که مترو داشته باشیم آرزو میکنم تهران مترو که سهل است راه هوایی هم داشته باشد اما با اولویت‌ها در تاریخی که بتوانیم این پول را بدهیم در تاریخی که ضروریات اولیه مملکت را تأمین کرده باشیم البته اینها تا ۵ سال دیگر برای ما تأمین خواهد شد من یک بار دیگر عرض کردم مملکت مایک نیاز مند بهائی دارم مملکتی است که از دو قرن خواب خرگوشی بیدار شده با طلوع ستاره درخشان خاندان پرافتخار پهلوی در آسمان سیاست ایران بیداری ملت ایران آغاز شده از پهلوی اول آغاز شده تا با امروز (صحیح است) ، در این مدت نه مدرسه داشتیم نه بیمارستان داشتیم نه راه نه نظام داشتیم هیچ چیز نداشتیم اما بیک تعداد معین مدرسه ، در سطح مملکت نیاز داریم یک تعداد معین تختخواب برای مریض احتیاج داریم وقتی این تأمین شد نیاز مند بهائی مامتناسب خواهد بود با افزایش جمعیت که نسبت با افزایش جمعیت مان باید مدرسه و تختخواب درست کنیم وقتی یک مرتبه تختخواب‌های بیمارستانی ما بحد کافی رسید مدارس بحد کافی رسید ما دیگر غم اینکه مدرسه بسازیم نخواهیم داشت آن وقت است که ما می‌توانیم بیائیم بگوئیم مترو و راه ۱۸ خطه بسازیم فلان مسئله را که بیشتر جنبه اولویت در مقام بعدی دارد انجام بدهیم اما امروز چطور میتوانیم بیائیم یک اعتبار کلانی را صرف راه زیر زمینی بکنیم که تازه ساختنش ده و بیست سال وقت می‌گیرد و تمام اعتبارات را اگر صرف آن بکنیم باز تمام نمی‌شود (سمعی - کی ما همچو چیزی گفتیم ؟) بنده نگفتم که شما همچو چیزی گفتید ، بحث راجع بکار و کارگر شد گفت که بنده نمیدانم این بحث را چطور توجیه کنم کارگر آنیکه پس از انقلاب همان دست پینه بسته‌هایی که قبل از انقلاب ایران در این مملکت ارزش نداشتند

سروش آن‌ها و فرزندان آن‌ها همه ناشی از اراده کارفرمایانشان بود پس از انقلاب بلقب شریف «شریف» از طرف رهبر بزرگ مملکت مفتخر شدند و قوانینی که در ظرف این هشت سال برای تنظیم امور کار برفع کارگر و برفع کار فرما در حدی که نفع کارگر تأمین بشود از همین مجلس گذشته و شما هم بآن رأی دادید در تاریخ کشور ماکه بیسابقه است هیچ در تاریخ کشور های پیشرفته هم بیسابقه است (صحیح است) اما مکتب حزبی ما این نیست که بیائیم مطالبی را عنوان بکنیم که امروز برای کارگر نان بشود اما سال دیگر بایسته شدن کارخانه خود آن کارگر بیکار بشود این را هم ما نخواهیم گفت مکتب ما این است که کارگر و کار فرما بحقوق خودشان با توجه باصل انقلاب که از منافع ملی باید اکثریت استفاده بکنند باید برادر وار در پیشرفت مملکت بکوشند اگر از این اصل تخطی بشود شما بدانید وزارت کار ما نمیتواند مدافع کارگر باشد چون وزارت کار در شورای کارگاه کارگر نماینده دارد نماینده کارگر هم امروز دم کار فرما نیست نماینده واقعی کارگران است شما در این مجلس نمونه‌اش را دارید عباس میرزائی‌ها هستند قدر دان‌ها هستند و این حیدر صائی . من اگر جناب و آقا نمیگوئیم معذرت می‌خواهم برای این است که برادریم شما خیال میکنید که کم زحمت میکشند با وجود آنها ، ماکه در مجلس اسیرشان هستیم ، یک کار فرما می‌تواند بکارگر زور بگوید هر گز مضافاً بر این حزب ایران نوین اساساً بازوی قوی و برومندش کارگران هستند چطور میشود هم مسلکان ما ، دبیر کل و قائم مقام دبیر کل ما که از صاحب منصبان شایسته وزارت کار بودند این‌ها به نشینند و کار فرما به ناحق به کارگر زور بگوید البته اگر کارگری هم بناحق حرفی و ادعائی داشته باشد جوابش داده نمیشود حقوق او آنچه که بموجب قانون شناخته شده تأمین میشود قانون هم در اینجا نوشته میشود و تصویب میشود در اجرای اصول انقلاب . چون خط مشی و اصول اساسی مملکت ما مشخص شده قوانین تمینونند از این اصول منحرف بشوند اینها اصول ۱۲ گانه انقلاب هستند علاوه قانون اساسی . دلسوزی

بکارگر در اینجا از طرف بنده خیلی خوب است اگر کارگری بخواهد بگوید چه ادم خوبی است اما منی که از نزدیک هنوز به مسائل کارگری آشنایی ندارم دلسوزی بکنم این سؤال پیش میاید که خوب نیست شما از این دلسوزی چه بود؟ انشاء الله نیست من که از کارگران دفاع میکنم و امثال من که از کارگران دفاع میکنند نیست خیری است اما آنچه که مسلم است کارگران ماکارگران رشید و ارزنده ، کارگران شاهدوست و وطن پرست ، کارگرانی که نیروی بازوی آنها تأمین کننده بیست درصد رشد اقتصاد و صنعت ما است میدانند که بر اثر پیشرفت این صنعت کارگردارای کار شده است این کارگر تا ده سال پیش قلعه بود یعنی تخصص نداشت میرفت سر چهارراه میایستاد کسی میامد اگر کاری بود او را میرد پشت بامش را کاه گل میمالید و اگر کاری نبود گرسنه میماند امروز کارگران ما را کارگر نمیشود گفت اینها کارمندان فنی مملکت هستند اینها با زوان نیرومند اقتصاد و صنعت ما هستند کسی کار کرده تا نوبوس ایران در رومانی فروخته بشود کجا داشتید شما که الان صادرات صنعتی کشور ما از صادرات سنتی کشور ما پیشی گرفته است در مدت هشت سال در کدام مملکت بود که در سال ۱۳۳۰ نخست وزیر مرحوم رزم آرا گفت مایک لوله‌نگ نمیتوانیم بسازیم شما میدانید ما الان در کجا هستیم اینکار یعنی اعجاز ، فقط با سرمایه نبوده فقط با پول و علم نبوده کارگران ما امروز بهدشان ایمان دارند به مملکت و به حزبشان ایمان دارند . در اینجا گفته شد ما نمیتوانیم دو بیست میلیون تومانی که از بودجه بنادر گرفته میشود و به بودجه عمومی میاید از کجا است همکار عزیز من آقای فرهادپور که یکی از اعضای بسیار دقیق کمیسیون بودجه است و در تمام موارد تا تمام مطالب را ندانند اصولاً رد نمیشوند اما سؤالی است لایحه متمم بودجه مطرح است من میگویم از کجا است همانطور که در تمام زمینه‌ها پیشرفت کشور ما چشم گیر است واردات و صادرات مملکت ما در آمد و عوارض بندری ما که تا سه چهار سال قبل صفر بود و باین دستگاه کمک میکردیم امروز بحمد الله بجایی رسیده است که ما تنها از عوارض

بندری کشتی هائیکه به بندر عباس و خرمشهر و خارک و غیرذالك بار میاورند و باداره بنادر ما عوارض میبردند بعدی رسیده است که از این سازمان ما دو بیست میلیون تومان میتوانیم به بودجه دولتی کمک کنیم این است پیشرفت مملکت ما میدانید چرا برای اینکه بندر ساختیم ما بندر عباس نداشتیم کشتی که باید در بندر عباس بارش را تخلیه میکرد میرفت در بصره تخلیه میکرد امروز از بندر عباس ما حتی افغانستان و قسمتی از پاکستان تغذیه میشود نمال التجاره میاید و با عوارض میدهند دو بیست میلیون تومان پول برای مصارف در این بودجه مطرح است آیا در یک دولتی از نظر پیشرفت از نظر داشتن ممر عواید واقعی بیش از این انتظار دارید این اعجاب است دولت چه میتواند بکند حقوق ما را در همه جا پائیده همین در دوران انقلاب در همین دوران هشت سال حکومت پرافتخار ما بود که یک ممر دیگر عایدات مملکت خودمان که همان اروندرود باشد بدست آوریم البته هیچکس منکر نیست این اصلا گفتن ندارد که هر دفعه نماینده محترم اقلیت چه در روزنامه شان و چه در مجلس میفرمایند که اینها همه از رهبر مملکت ما است مثل این است که ما مرتب بگوئیم همه ما را خدا خلق کرده است این گفتن ندارد همه در این مطلب متفق القولند که ایران عظمتش، غرورش، افتخارش، همه چیزش از شخص شخص اعلی حضرت شاهنشاه آریامهر است (صحیح است) این دیگر هر روز گفتن ندارد اما آنچه ما میگوئیم ما هم در اجرای نیات شاهنشاه زحمت کشیده ایم این هدف عالی را بمقصد رساندیم این بارگران را بدوش کشیدیم و بموفقیت رساندیم برنامه چهارم طرح کردیم در هر رشته قبل از خاتمه برنامه بان حد رسیدیم اگر چنانچه به حساب شما ما زحمت هم نکشیدیم لاقلاً آنچنان دولتی و حکومتی هستیم که آنقدر خوش شانسیم که این افتخار نصیبمان شده است خوب چه اشکالی دارد وقتی از خوش شانسی ما اینهمه افتخارات نصیب ما و وطن ما میشود ما چرا از خوش شانسمان استفاده نکنیم اما علاوه بر شانس و اقبال زحمت کشیده اند این طرح ها و نقشه های عالی باید مجربان صدیق و وفاداری داشته باشد تا بهدق برسد مجانی

را بالا ببریم یعنی عوض اینکه از هر هکتار زمین ۲۰ تن برداریم اگر ده تن برداریم ناچار ما چقدر قند را باید بدو برابر قیمت بخیریم و این باید کاری بکنیم که اصولاً زارع از راه بالا بردن مواد تولیدی از تراق بکنند ما باید در آمد زارع را از راه بالا بردن میزان تولید در آن قطعه زمین تأمین کنیم چون اگر واقعاً برویم دنبال این مطلب که چقدر فلان ماده غذایی را از زارع بیشتر بخیریم قطعاً این اثر خواهد گذاشت در سطح کلیه قیمت ها شما نمیتوانید آن وقت متوقع تثبیت قیمت باشید اما از طرف دیگر هم چون بطور متوسط سالانه ۳ الی چهار درصد قیمت ها بالا میرود ما باید باندازه ده الی پانزده درصد آنها را آنچنان کمک بکنیم که سطح محصولشان در آن قطعه زمینی که دارند بالا برود و این هدفی است که وزارت کشاورزی ما دارد و تا بحال تعقیب شده راجع به بیمه محصولات در اینجا گفته شد من نمیدانم چطور میشود اینهم یکی از تصادفات روزگار است که دولایحه هست مربوط بدوتا تفکیک و دوتا ادغام یکی بی سروصدا در موقع تجزیه و ادغام هیچ حرف زده نشده هیچ ایرادی نبود در موقع تجزیه رأی موافق داده بودند در موقع ادغام هم ولی در دومی خیلی بحث و فحش و ایراد و اعتراض فرمودند در یکی در این مورد عنوان شده است که بیمه محصولات کشاورزی که این تضعیف تا امروز فقط در مورد گندم برقرار است و ما امیدواریم با تصویب این لایحه که تا با امروز چنین وظیفه ای را به دولت ها نداده بودیم چون تا با امروز امکان آن را نداشتند الان که دارند اغلب محصولات ما انشاء الله تضمین خواهد شد بدین ترتیب زارع و کشاورز در واقع محصولاتش از نظر فروش و قیمت بیمه است پاسخ دادن بکلیه فرمایشات نه در شان من است نه اینکه آمار و ارقامی که بیاید بطور رسمی از طرف دولت و وزرای مسئول عنوان بشود در اختیار من است تا جائیکه بعنوان موافق لایحه بودجه مقدور بود مطالبی بعرضتان رساندم دوسه نکته در نظر خود این لایحه عنوان شده بود یکی اینکه حق ثبتی که نسبت به کالاهای وارداتی گرفته میشود اگر اینها صادر بشود دوباره مسترد خواهد شد و از این وجه ده درصد به شیر و خورشید داده میشود خواستم

باستحضار آقای فرهاد پور برسانم که از طرف شیر و خورشید در کمیسیون بودجه توضیح داده شد این پول در حساب مخصوصی هست وقتی صادر میشود فقط ده درصد به شیر و خورشید داده میشود کافی است که یکبار دیگر به متن لایحه مراجعه شود مطلب دیگری که ایشان عنوان کردند آن بود که از اعتبارات بهداشتی کم شده و به بودجه عمومی اضافه شده باید عرض کنم این اعتباری که در بودجه بهداشتی اضافی بوده مربوط به کشت خشخاش بوده و از محل فروش مواد مخدره بوده است که تا بحال نمی توانست مورد مصرف قرار بگیرد و الآن پس از تصویب قانون کشت خشخاش مورد مصرف پیدا کرده و دولت طبق این متمم بودجه مجوز کسب کرده که بخرج بیاید و به اعتبارات معمولی بهداشتی مطلقاً ارتباطی ندارد دیناری هم کم نشده چه اساساً نمی تواند کم بشود در اینجا گفته شد که ممکن است یک باتویی در خیابان وضع حمل کند چه اشکالی دارد در همه جا ممکن است این اتفاق بیفتد اما این را نگفتند که کشور ما افتخار دارد یکی از کشور هائی است که در تمام موارد وقتی امراض ساری در هر گوشه از جهان شیاع پیدا کرده اولین کشوری بوده است که توانسته است تلقیح را بموقع دقیق عمیق و همه جانبه انجام بدهد که اگر و باد غرب و شرق صدها هزاران نفر را کشت این مطلب رسماً تأیید شده است و در کشور ما نمونه اش هم دیده نشد من خودم سه ماه قبل برای یک کنگره ای عازم تونس بودم در فرودگاه رم وقتی دیدند که من ایرانی هستم پاسپورت مرا دیدند مأمور بهداشتی گفت شما بفرمائید گفتیم چرا؟ گفت شما از ایران هستید و ایران از مراکز سالم است و کسی که از ایران می آید لازم نیست تلقیح شود آقای این برای ما افتخار است سرخك آبله و با طاعون هر مرضی که در دنیا هست و وظیفه بهداشتی ماست که جلوگیری کند يك روز ما زاندرانی می گفت ما از مالاریا جرأت نمی کنیم بمانندان برویم يك روزی در کشور ما تراخم بود در زفول آقای اخلاقی اولین مرکزی بود که تراخم بود (اسعد رزم آراء - کچلی) کچلی بود شپش هم يك روزی در این مملکت برکت حساب میشد در تمام مملکت دیگر یکدانه

دیگر از این جانور موذی دیده نمیشود (مهندس صائی - آبله) آبله هم همینطور بکلی ریشه کن شده. باید انصاف داشته باشیم همه را از نقطه نظری بینی و انتقاد نگاه نکنیم.

دکتر زهرانی - اقدامات وزارت بهداشتی مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی واقع شده است (صحیح است).

دکتر دادفر - يك مطلب عرض میکنم و بعرض خود خاتمه میدهم عنوان شد بانك رفاه کارگران بجهت نسبت بکارگران وام داده است بانك رفاه کارگران در سال گذشته بیش از ۱۲ هزار فقره بکارگران وام داده و چهار هزار به کارمندان بموجب اساننامه خودش می تواند به کارگران و کارمندان وام بدهد با این تفاوت که ربح وام برای کارمندان ۱۲٪ و برای کارگران ۹٪ است فراموش نکنید بانك رفاه کارگران از سرمایه بیمه های اجتماعی میجرخند چنانچه عملیات بانکی نکند و سودی نداشته باشد نمیتواند صندوق بیمه های اجتماعی تغذیه بکند و هدف و فلسفه وجودی خودش را از دست میدهد (فرهادپور - اسم این بانك چیست؟) اسم بانك ایران و ژاپن هر کس که ژاپنی است باید حساب داشته باشد اسم مهم نیست اسم بانك رفاه کارگران است در اساننامه اش نوشته است به کارگران و کارمندان وام بدهد (صحیح است) این روزنامه که جزو مدارك جهت خودم نگاه میدارم تا اینکه لیدر محترم اقلیت که خودشان هم بمطبوعات اشاره میفرمایند و توجه میکنند تقاضا میکنم مطالعه بفرمایند و بسردبیر محترم این روزنامه که از همکاران ماست توصیه بفرمایند روزنامه نگاری به سیستم قبل از انقلاب یعنی به آن نحوی که مطلبی بگوئیم که مطلبی گفته باشیم صحیح نیست مطبوعات ما امروز در جاده ترقی و تکامل افتاده است در اینجا یکبار در مجلس دعوتی شد مقام ریاست فرمودند من حقیقه عقیده خودم را عرض کنم این گفته ناپلئون است که گفت من از ده لشکر پروس نمیترسم اما در يك روزنامه مانن صبح آروز می ترسم کسی امروز از روزنامه نگار نمی ترسد ترس

بان معنی دیگر وجود ندارد ترس از آن که احترام مطبوعات اثری که مطبوعات در دل مردم دارند قدرتی که مطبوعات در دل مردم دارند و اثری که در پرورش افکار عمومی دارند برای مطبوعات احترام خاصی در جامعه بخصوص در جامعه ای که به اثر مطبوعات واقفند فراهم آورده بشود (صحیح است) روزنامه نگاران، نویسندگان مطبوعات بطور کلی کسانی که با تنویر افکار عمومی سروکار دارند مانند سایر افراد سربازان انقلاب مجاهدان راه انقلابند اینها هستند که مردم را رهبری می کنند بطرف هدف های ملی، هدف ملی آن هدفی است که ترسیم شده بوسیله رهبر بزرگ ماست هدف ملی ما عظمت ایران عزیز است هدف ملی ما آبادی ایران است هدف ملی ما آبروی ایران و استقلال ایران است هدف ملی ما قدرت ایران است هدف ملی ما پاسداری از انقلاب است این هدف ملی را مطبوعات شناخته اند و در این راه باتمام سربازان پاسدار انقلاب خوشبختانه هم آواز و هم دوشند توفیق همه نمایندگان محترم را از خداوند متعال خواستارم از طول عرایض معذرت می خواهم موفق و مؤید باشید (احسن - احسن).

رئیس - خانم دکتر پارسای بفرمائید.

دکتر فرخ روپارسای (وزیر آموزش و پرورش) -

جناب آقای نخست وزیر خیلی علاقمند بودند مثل همیشه موقع طرح بودجه و متمم بودجه بتوانند در مجلس شورای ملی حضور پیدا کنند و بانتقادات نمایندگان محترم گوش دهند و توضیحاتی هم بعرض نمایندگان محترم برسانند ولی متأسفانه بعلت کسالت که دو روز است عارضشان شده در منزل استراحت فرمودند و دستور فرمودند وزراء مسئول بسبب مسئولیتهایی که دارند هر کدام در قسمتهای مربوط به خودشان توضیحات لازم را بعرض خانم ها و آقایان محترم برسانند ماضن اینکه برای سلامتی وجود ایشان دعای میکنم امیدوار هستیم بتوانیم توضیحاتی را که لازم است برای روشن شدن اذهان نمایندگان محترم در این ساحت مقدس بعرض برسانیم قبل از شروع عرایض لازم است از آقایان مظهری دکتر بهزادی و دکتر متین و دیگران دادفر و کلیه افراد فراکسیون

پارلمانی حزب ایران نوین که صمیمانه از برنامه دولت دفاع کردند و بهمه انتقادات پاسخ دادند و مقداری از بار مارا سبک و وظیفه ما را سبک کردند صمیمانه تشکر کنم (دکتر الموتی) - آقای صدری کیوان هم واقعاً توضیحاتشان جالب بود آقای صدری کیوان همیشه این التفات را دارند اجازه بفرمائید در شروع عرایض عرض کنم در سال ۱۳۴۲ که با فرمان شاهنشاهی آریامهر و تصویب مردم کشور افتخار خدمتگزاری در کادر سیاسی بهزنها داده شد و من این افتخار را داشتم که بعنوان نماینده مجلس شورای ملی و مدتی در سمت معاونت پارلمانی وزارت آموزش و پرورش با نمایندگان محترم مجلس شورای ملی چه در صف اکثریت و چه در صف اقلیت تماس داشته باشم همیشه سعی کرده ام احترام قلبی خودم را نسبت به تمام نمایندگان محترم مجلس وساحت مقدس مجلس شورای ملی حفظ کنم (آفرین) و در تماس با نمایندگان اقلیت همیشه سعی کرده ام به مطالب متطقی و اساسی که واقعاً سیاست آموزشی کشور ما را روشن می کند و برنامه های ما را هدایت می کند گوش بدهم از تجربیات آنها استفاده کنم و باین ترتیب انتظار داشتم که در این موقع که يك سوم اعتباری که در متمم بودجه پیش بینی شده اختصاص پیدا می کند به برقراری حق فنی به معلمین و اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری و اصلاحیه قانون استخدام به نفع معلمین اگراز افراد فرهنگی کسی در این زمینه صحبت میکند لاف لاقل شواهد مثبتی در مورد خدمات ارزنده معلمین به این مجلس محترم عرضه کند و بنده هیچ انتظار نداشتم که شاهد مثال همه کوششها و زحمات های آنان اشتباه يك مدیر مدرسه باشد که بعد از ۳۰ سال خدمت شاید يك اشتباهش بود و خودش با کمال جوانمردی با اشتباهش اعتراف کرده و يك محصلی را که اشتباهاً قولی اعلام کرده او را خواسته و مردودش اعلام کرده این شاهد مثال برای همه معلمین قرار بگیرد در حالیکه چنین چیزی نیست خوب بود که از خدمات ۱۴۹۹۹۹ نفر انسان دیگری که در این دستگاه خدمت می کنند در گرما و سرما و روستائی خدمت می کنند

سپاهیان دانش زحمتکش مامعلمین زحمتکش ماجوانان زحمتکش و رؤسای مدارس ما لا اقل يك شاهد مثال زنده و مثبت ذکر میکردند من از این جهت نه بعنوان يك وزیر آموزش و پرورش بلکه بعنوان يك همکار از نماینده فرهنگی حزب اقلیت گله مند هستم امیدوارم که واقعاً این نمونه را يك نمونه ای برای معلمین ندانند (دکتر الموتی) - طبقه معلم مورد احترام همه مردم مملکت هستند (صحیح است) (شیخ رضائی) - آقای دکتر الموتی متشکرم مطلبی اینجا ذکر کردند که آیا وزارت آموزش و پرورش برای شروع هر سال تحصیلی برنامه ای دارد که بدانند چقدر شاگرد باید بمدرسه برود این برنامه اول سال ۱۳۵۰ خدمت همه نمایندگان محترم مجلس داده شده از صفحه ۱۱۶ برنامه کار سال ۱۳۵۱ در مورد برنامه تعلیمات ابتدائی یعنی ۵۰ - ۵۱ متأسفانه چون نمی خوانند اجازه بدهند خودم بخوانم در سال تحصیلی ۵۰ - ۵۱ بانوجه به افزایش تعداد یکصد و پانزده (۱۱۵) هزار دانش آموز در سطح شهرها و تأسیس ۱۶۷۵ باب کلاس جدید و استخدام ۲۸۰۰ نفر آموزگار جدید پیش بینی گردید جناب آقای فرهادپور تمیذانم تشریف دارند یا نه (فرهادپور) فقط برای استماع فرمایش جنابعالی آرزو داشتم که این را میخواندید و رقمی که امسال ما عرضه کردیم میدیدید و همکاران ما در این راه تشویق میکردید ما از ۱۱۵۰۰۰ نفر منظور شده با تأسیس دبستانهای شبانه بحدود ۲۱۰/۰۰۰ نفر رسیدیم (آفرین) و اگر اشکالاتی از نظر معلم و جا داریم آن چیزی است که در برنامه بعلت کمبود اعتبار پیش بینی نکرده ایم و شما میتوانید که امسال علاوه بر آنچه که باین مدارس اضافه شده ۲۷۱۷ مدرسه ای که از طریق جشنها و مردم ساخته شده و ۱۵۷۰ مدرسه ای که خود مردم ساخته اند باعث شده که ما در برنامه خودمان بنسبت ۲۰٪ از افزایش تجاوز کنیم بنابراین من انتظار داشتم همکاران من مورد تشویق آقایان قرار بگیرند (احسن) بهمین ترتیب در صفحه ۱۱۹ برنامه کار سال تحصیلی ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ در مورد آموزش ابتدائی از طریق سپاه دانش علاوه بوفعالتهای سال گذشته نباید

عرض کنم از ۱۱۷ هزار نفر منظور شده شاید بحدود ۱۷۰ هزار رسیدیم و بنا بر این بازم جادداشت از سپاهیان دانش تقدیر میفرمودید همچنین در برنامه راهنمایی که بجای خود در این مورد چون سؤال دیگری مطرح شده پاسخ خواهم داد و ملاحظه میفرمائید ما برنامه کار هم داریم و اول سال هم عرضه می کنیم اما اگر اشکالاتی در کار ما پیش می آید آن وقتی است که از برنامه تجاوز می کنیم کوشش بیشتری می کنیم فعالیت بیشتری می کنیم و انتظار نداریم که در مقابل این فعالیتها مورد ملامت قرار بگیریم و اما در مورد مطالب جزئی دیگری که واقعاً اینجا عرضه شد من باز بر میگردم بآن مطلبی که در مورد آن مدیر مدرسه گفته شد و می خواهم بنام همکاران عزیزم عرض کنم فقط کسانی اشتباه نمی کنند که کار نمی کنند و الا هر کسی که کار میکند اشتباه هم می کند و مزد می که استراحت می کنند و کاری نمی کنند ولی خدا کند که این اشتباهات هرگز مبتنی بر خود خواهی و غرض و سود جوئی و خیانت نباشد گاهی تمام این اشتباهات در پرونده های اداری آدم منعکس میشود ولی بعضی قابل گذشت است و بعضیها قابل تعقیب است و امیدوارم که هر کس پرونده گذشته هایش و زندگی خدیش را بیاد بیآورد و ببیند که کار کردن همیشه متضمن اشتباهاتی است که امیدوارم عمدی نباشد ایرادی اینجا شد متأسفم عرض کنم يك مقدار زیادی از مطالبی که این جا عنوان شد ما انتظار داشتیم که در برنامه های دولت و سیاست های آموزشی مملکت باشد باحمله بدو مدیر کل که یکی اطاقش را کاغذ دیواری کرده بود و يك بخشنامه در مورد تخفیف شهریه به فرزندان کارگران صادر شده بود و ایراد از وزارت آموزش و پرورش گرفته شد که چرا یکمده متخلف را بدیوان کيفر فرستادیم شروع شد و تمام شد و من یکی یکی اینها جواب خواهم داد ولی انتظار داشتیم که انتقادات اصولی را مطرح کنند و راهنمایی کنند و پیشنهاد کنند که از پیشرفتی هم که ما کردیم باز هم از برنامه تجاوز کنیم و بیشتر پیش برویم درباره بخشنامه مدیر کل تهران باید عرض کنم وقتی این بخشنامه ها خوانده میشود کاش همش خوانده بشود

میدانید شورای مالی دبیرستانهای دولتی موظف هستند که تمام کارگران و کسانی که طبقه کم درآمد را تشکیل میدهند به اینها تخفیف کلی بدهند این امر کوچکی است جزو اساسنامه مالی شورای مدارس است اما مرجع کار کیه؟ وزارت کار از ما خواستند و به تمام مملکت هم بخشنامه شده بکارگرانی که از طرف وزارت کار معرفی میشوند تخفیف بدهید شرکت ملی نفت در نواحی نفت خیز و نواحی که کارگزاران تقاضا کرده بخشنامه کرده تخفیف بدهید و حزب ایران نون هم يك تشکیلات کارگری مفصلی دارد و یکی از مراجعی است که میتواند مرجع معرفی کارگر باشد قسمت کارگاهها و کارخانه های خصوصی هم اگر از ما درخواست می کردند اجازه میدادیم و کارگزاران اگر معرفی میکردند مطمئناً این تخفیف را میدادیم کما اینکه معرفی هم نکنیم شورای عالی مدرسه این تخفیف را میدهد (احسن) درباره تجهیزات مدارس راهنمایی باکمال تأسف باید عرض کنم همکار عزیز من شاید بخاطر گرفتاریهای انتخاباتی در سال جاری موفق نشده اند نظام جدید آموزش را بخوانند و بدانند نظام جدید آموزشی و دوره راهنمایی یعنی چه چون در تمام این برنامه حتی پشت کتابش نوشته شده شناخت آموزش حرفه و فن و نه آموزش حرفه و فن باید بداند که این گوشی پزشکی است و بچه درد می خورد این چکش است بچه کار می آید این چرخ خیاطی است و بچه درد می خورد این چراغ برق است و بچه درد می خورد این رادیو و این گوشی تلفن است و بچه کار می خورد اگر فکر میکنید در سن ۱۱ سالگی بچه ها را می آوریم در بخش صنعت و کشاورزی و خدمات دیگر همه کاره و متخصص میکنیم زهی افسوس برای تعلیم و تربیت در سن یازده سالگی اینهمه تخصص و آموزش بدهیم ممکن نیست برنامه راهنمایی یعنی آزاد گذاردن بچه در کارگاه که بچه با شناخت این وسایل و مطالعه روی آنها بتواند راه تحصیلی آینده را پیدا کند امیدوارم بعد از کار بودجه که فرصتی برای نمایندگان محترم پیدا میشود کسانی که این برنامه را خوانده اند و درک نکرده اند مراجعه کنند و بخوانند و

بدانند که دوره راهنمایی آموزش حرفه و فن و کارگاه راهنمایی را با برنامه کار دستی دبیرستانها فراموش نکنند (صحیح است) آموزش حرفه ای دورانی است بعد از این سه سال البته آموزش حرفه ای روستائی دورانی است بعد از ۵ ساله ابتدائی بدون کلاس راهنمایی بعد از این سه سال آموزش متوسطه نظری آموزش متوسطه عملی، در مورد آمادگی معلمین نمایانم در صورت جلسه مجلس شورای ملی دیدم هم مسلکان عزیز بنده با اطلاعات رسانده بودند دانشسرای راهنمایی از دو سال پیش تشکیل شده بود چه اش را هم تصویب کردید و بنا ابلاغ کردید چطور می گوئید آماده نشده یعنی دانشسرای راهنمایی باز نشده اگر راهنمایی باز نشده و ما معلم آماده نکردیم پس چطور مستند روزنامه اطلاعات این است که یکمده از تربیت شدگان استخدام نشده اند اگر تربیت نکرده ایم پس چطور عده ای استخدام نشده اند امیدوار هستم باین مطالب يك دقت بیشتری بخرج داده بشود ولی برای استحضارتان بعرض میرسانم که چرا این عده استخدام نشده اند بعلمت اینکه نمره هایشان کم بوده و میل داشته اند از امتیاز تعیین محل خدمت استفاده کنند ولی متأسفانه میسر نیست چون آنکه معدل بیشتر دارد حق دارد جای بهتری را انتخاب کند و آن که معدلی کمتر دارد جای بد را قبول کند و مسلماً اگر نخواهد قبول کند استخدام نمی شود. متأسفم که آمار و بودجه را خوانده بودند برای اینکه اظهار کردند اعتبار کلاسهای راهنمایی فقط دو میلیون تومان است من امیدوارم که ایشان باز دفترچه بودجه را بخوانند و ببینند ما در سال ۵۰ فقط برای ساختمان و تجهیز کلاس اول راهنمایی ۲۴۰ میلیون و ۴۵۰ هزار ریال در بودجه منظور کردیم و بمصرف کردیم و برای جاهای جدید باز هم باید مصرف کنیم برای کلاسهایی که ساختمان نکردیم، ۱۵ هزار ریال مصرف یکساله لوازم يك کلاس بررسی کردیم و داده ایم در يك جا گفته میشود مدارس غیر دولتی هر کدام سه میلیون تومان بودجه گذاری کرده اند برای کلاسهای راهنمایی و در يك جا گفته شده که مدارس ملی اجحاف می کنند می دزدند، پول زیاد می گیرند خوب

اگر پول می گیرند سه میلیون هم خرج می کنند میشود بچه ها را بگذارند در يك جای بی معلم و بی کارگاه و اسمش را بگذارند مدرسه بهر حال نمایانم حزب اقلیت فکر می کند که ما تمام اعتبارات را بیائیم صرف تجهیز مدارس راهنمایی و متوسطه شهرها و استانها بکنیم و در سطح روستاها حتی مدارس ابتدائی نداشته باشیم حتماً فقط یکی از افراد این حزب اینطور فکر می کند والا تصور نمی کنم همه افراد این حزب اینطور فکر کنند. ایرادهائی راجع به خانه سازی معلمین گرفته شد اولاً باید عرض کنم که این خانه ها اولین و آخرین خانه هائی نیست که ما میسازیم ولی ما خوشحالیم که اولین خانه ها را برای معلمین را در این زمان و در زمان این دولت توانستیم بسازیم این خانه ها نه بی برنامه است نه بی استاندارد، استاندارد هائیکه وزارت آبادانی و مسکن برای ما گذاشته برای طبقات کم درآمد یعنی کمتر از هزار تومان حقوق در ماه، ۵۵ تا ۶۰ متر زیر بنا و برای طبقات کمتر از متوسط ۶۵ تا ۷۰ متر زیر بنا و برای طبقه متوسط ۷۵ تا ۱۱۰ متر و برای طبقه بالاتر از متوسط ۱۲۵ متر این استاندارد است که در دنیا از اروپای شرقی بالاتر و از اروپای غربی پائین تر است و فکر می کنم استاندارد است که باید برای ما قابل قبول باشد و نباید در این کار مغلطه بشود چون اگر معلمی ۵ بچه داشته باشد بعد از ۲۰ سال خدمت است که مسلماً از هزار تومان کمتر حقوق نخواهد گرفت در مرحله دوم قانون استخدام کشوری شما معلمی را پیدا نخواهید کرد که کسی با ۲۰ سال سابقه کمتر از هزار تومان بگیرد. (فرهادپور - میگوید یا خواهد گرفت) اگر طبقه بندی و گروه بندی را ملاحظه بفرمائید میگوید در مورد زمین عباس آباد البته خیلی معذرت می خواهم که وقت مجلس را با این موارد جزئی می گیرم ولی لازم است که ذهن نمایندگان محترم روشن بشود شاید استحضار دارید که ۱۵ سال پیش وزارت جنگ و بانک کشاورزی يك مقداری از اراضی عباس آباد را بوزارتخانه های مختلف و اشخاص مختلف واگذار کردند البته در آزمون يك

اشتباهاتی در این زمینها پیش آمد اما این اشتباهات دلیل آن نمیشود که وزارت آموزش و پرورش از سهم خودش و حق خودش صرفنظر کند البته روی این زمینها فقط ۷ نفر اعتراض دارند یکی هم وزارت آموزش و پرورش است آنها را دیگر که اعتراض دارند عمارت هم تویش ساخته اند که پرونده اش در دادگستری موجود است اطاق ساختند بعضی ها لوازم خانه هم در آن گذاشتند وزارت آموزش و پرورش هم نرده دورش کشیده اگر روزی وزارت دادگستری گفت وزارت آموزش و پرورش بیرون این مال شما نیست ما بیرون خواهیم رفت چون عقیده داریم که باید به قانون احترام بگذاریم ولی اگر گفت نه آنها بیرون و وزارت آموزش و پرورش بماند ما از این زمین استفاده می کنیم شما هم نگران نرده آن نباشید چون ما اینقدر مدرسه داریم که این نرده ها را ببریم و دور یکی از آنها بگذاریم بهرحال ما ناگزیریم مدافع حقوق طبقه معلم و محصل باشیم و بقانون هم احترام بگذاریم (احسن) این مطلب عیناً بر میگردد به مطالبی در مورد تخلفات مالی که در مورد تعلیمات فنی حرفه ای گفته شد در آنجا هم ما بقوه قضائیه احترام میگذاریم و صبر میکنیم تا رأی قوه قضائیه صادر بشود ولی من سؤال میکنم آیا معرفی کننده این اشتباه و تخلف حزب اقلیت بوده؟ آیا آن همکار عزیز بنده بودند یا خود دستگاه بود؟ یا مدبریک دستگاه که این کار را گزارش میدهند و تعقیب می کند شما بروید این پرونده ها را ببینید و حتماً در دادگستری برابتن توضیح خواهند داد که نامه از طرف وزارت آموزش و پرورش با تأیید دستگاه رفته و رسیدگی کامل را خواسته و شما مطمئن باشید که اگر خود مرا هم با یک تلفن احضار میکردند حتماً به بازپرسی می رفتم (فرهادپور - معاونتان را بفراستید ولی خودتان نروید) و اگر معاونان را هم احضار کنند حتماً او را خواهم فرستاد اما در جایی که قوه قضائیه نشسته است بنده در مقام وزارت و شهادت مقام و کالت حق قضاوت نداریم (صحیح است) گاهی هم اتفاق افتاده که بعضی از همکاران ما در دستگاه های دولتی یا غیر دولتی بعضی از جوانان شروع

به يك كارهاى غلطى كرده اند من شخصاً عرض میکنم که در آموزش و پرورش سعی کرده ام پیش از اینکه اینها را بدست قانون سپارم از راه غلط منصرفشان کنم و بیاورمشان براه راست چون این سیاست ارشادی و به آموزش است من عقیده دارم و فکر میکنم که همکار عزیز من که نمیدانم تشریف دارند بانه این مطلب را خیلی خوب بدانند و شاید خاطراتی از این قبیل داشته باشد (شیخ رضائی - آقای رئیس من اعتراض دارم) (همهمه نمایندگان) (عباس میرزائی - آقا شلوغ نکن چرا تخته می کوبی) (شیخ رضائی - بنده بهیچوجه بکسی توهین نکردم) در اینجا تصور من این هست که شاید موقتاً از تعلیمات فنی و حرفه ای صحبت می کنیم گاهی هم سؤالها را باین صورت بزرگ می کنیم و میگوئیم دستور داده شده که پرونده مسکوت بماند میخواستیم رضایت گناهکارانی که محکوم شده اند بدست بیاوریم در صورتیکه عرض کردم خاطی در هر مقامی که باشد حتی اگر خود بنده را وزارت دادگستری تشخیص میداد که در این قضیه مقصر هستم مسلماً مراجعه میکردم و اجر خودم را می گرفتم (فرهادپور - محاکمه وزراء مقرراتی دارد) (احسن) اینها مواردی بود که من برای روشن شدن ذهن خانمها و آقایان عرض کردم يك مطلبی را هم جناب زهتاب فرد که همیشه بایشان احترام میگذارم خواستم خواهش کنم که هیچوقت ما را بعنوان حزب حاکم اسم نبرند ما حزبی هستیم که عقیده مان خدمتگذاری است در اینجا يك شمه ای از خدمات مثبت دستگاه آموزش کشور را فکر میکنم که باید خدمت خانمها و آقایان بگویم من از آن آمارهای مفضل سالهای پیش صحبت نمیکنم برای اینکه در هر مورد گفته شده ولی يك مورد مقایسه ای بین سال ۴۸-۴۹ و سال ۵۰-۴۹ بعرضتان میرسانم این افزایشها عبارتند از تعلیمات ابتدائی ۵/۵٪ و حال آنکه پیش بینی معمول در کشورهای مترقی پیشرفته و کشورهای در حال رشد ۳٪ است تعلیمات متوسطه ۱۲/۸۵٪ فنی و حرفه ای ۴۰٪ مرکز تربیت معلم ۴۴/۱۳٪ انستیتوهای تکنولوژی ۸۱/۷۲٪ دبیرستانها و هنرستانهای شبانه

۲۰۴٪ و این افزایشها جز در سایه ثبات و امنیت مملکت و رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر بدست نیامده است (احسن) من خوشوقتم که اولین برنامه و مرامنامه حزبی ما آموزش و پرورش کلیه افراد مملکت است و من شخصاً خوشوقتم که شناس این خدمتگذاری را در این دوره داشته ام در اجرای انقلاب اداری باید عرض کنم که امروز دستگاههای اداری ما گرفتار گرفتن مجوزهای بی ربط و اجازة های بیهوده نیست بلکه شوراهای منطقه ای این اختیارات را دارند البته قضاوت بفرمائید قانونی که فقط یکسال ونیم از تصویب میگذرد و قوه مقننه برای اجرای این قانون بوزارت آموزش و پرورش ۵ سال فرصت داده در عرض یکسال ونیم آنچه که باید انجام بگیرد انجام گرفته و میتواند حالا مورد ارزشیابی قرار بگیرد و گفته بشود که آیا شوراها خوب عمل می کنند یا نه بعضی از این شوراهای ما فقط دوماه از نشان میگذرد و هنوز افراد آن بوظایف قانونیشان وارد نیستند و هنوز وحشت دارند که از اختیارانشان به نحو خوبی استفاده کنند البته بتدریج اینجاباید روشهای صحیح را فرا بگیرند و علت اینکه قوه مقننه هم ۵ سال فرصت داده بخاطر پیش بینی در تجربه بود ایجاد مراکز تربیت تکسین بهداشت از اموری است که برای رسیدگی بوضع جسمانی محصلین پیش بینی شده تربیت جسمانی محصلین فقط ورزش نیست پیش از ورزش سلامت محل و دانش آموز مطرح است (صحیح است) در گذشته ما می دیدیم بچه هایی را که مبتلی به امراض قلبی و رماتیسم و حتی راشیتیم بودند اینها را بورزش وادار میکردند و مرگشان را نزدیکتر می ساختند در حالیکه ما امروز کوشش می کنیم که افراد سالم بسازیم نه ورزش بدیم و قهرمان بسازیم بچه را سالم بسازیم تا در يك سنی خودشان استعدادشان را بروز بدهند و بتوانند آن ورزش را که لازم هست انجام بدهند (احسن) ایجاد مراکز تربیت معلم برای مرزنشینان کشور یعنی برای مردم شهری و حتی روستائی که در دورترین نقاط زندگی می کردند یکی از کارهایی است

که بدون صرف بودجه دولتی و بدون صرف یکشاهی از بودجه دولتی بلکه از طریق شهریه مدارس درسه مرکز مجوز در تهران تشکیل شده و امیدوارم که در آخر این ماه بتوانم بعضی از خانمها و آقایانی را که فرصت داشته باشند برای دیدن این مراکز دعوت کنم گسترش تعلیمات عشایری در قسمت استانهای غربی کشور که تادو سال گذشته فقط در فارس انجام میشد مطلبی است غرور آمیز و افتخار آمیز که متأسفانه بعضی از رفقای ما از تهران پایشان را بیرون نمی گذارند که اینها را ببینند در حالیکه لازم است گاهی رفت و بیشتر فتهای مملکتی را دید امروز در این مملکت حدود آموزش و پرورش در کودکان عادی گذشته است همین برنامه را ملاحظه بفرمائید در صفحه ۱۱۹ برنامه می بیند کودکان استثنائی عقب مانده کرولال نابینا و تیزهوش از برنامه هائی است که با تأیید علیاحضرت شهبانو انجام گرفته و ما خوشوقتم که برای این طبقه مردم توانسته ایم امکاناتی فراهم بیاوریم نقوذ تعلیمات حرفه ای در روستاها و ایجاد هنرستانهای روستائی طبق قراردادی که بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت تعاون و امور روستاها منعقد شده آموزش و پرورش روستائی را بر اساس يك هدف استوار کرده است طرح آموزش سوادآموزی حرفه ای از نظر بین الملل نتیجه بسیار جالبی داشته و از طرف یونسکو بعنوان يك کار نمونه در اصفهان یاد شده همین برنامه انستیتوهای تکنولوژی که در برنامه پنجم آموزش حرفه ای برای ما پیش بینی شده بود ۵۰۰۰ فارغ التحصیل در حالیکه در سال گذشته به ۵۳۰۰۰ و ۷۰۰۰ رسیده من نمیدانم چه گناهی دارد که معاون وزارت آموزش و پرورش بیاید و پای کاغذش امضاء کند مجری طرح اگر کسی مسئولیت را قبول کرد و امضا کرد مجری طرح که گناهکار نیست در موردیات امنای این يك مطلبی است بسیار استثنائی و هیچ مدرسه ای هیأت امنای ندارد مگر مدارس که بصورت وقف از طرف واقف بایک شرایطی اداره می شود اگر واقف يك سهمی در موردی در نظر گرفته باشد از بودجه خودش میدهد و یقین داشته باشید هیچ ارتباطی با بودجه دولتی ندارد و یقین داشته باشید که

وزارت آموزش و پرورش دیناری برای هیأت امنای شوراهای و اعضای شوراهای و هیات کدما اینها نداده است از جناب آقای فرهادپور که گفتند رابطه در آموزش و پرورش نیست متشکرم و بلافاصله گفته شد ضوابط هم نیست برای اطلاعشان عرض میکنم که ضوابط هم ضوابط برای انتصاباتی در حد ریاست اداره مدیریت دستگاه مدیریت شهرستانها و مدیریت کل از این قرار است اولاً دارا بودن درجه لسانس البته در اینجا بگویم لسانس واقعی چون این روزها بعضی ها هم پیدا شده اند که میگویند مالپسانسیه ایم در حالیکه نیستند و حداقل ۱۵ سال سابقه خدمت بدون محکومیت اداری قبولی خدمت در مراکز پیشنهادی حسن شهرت دیدن کلاس مدیریت بنا بر این من نمیدانم ایشان این رقم ۲۳ را لئو کجا آورده اند باید عرض کنم جدا کتر نمره قبولی صد و حد متوسط یعنی آنکه قبولی حساب می شود ۷۵ است بنا بر این نمره ۲۳ ما در کارمندان نداریم ولی بهر حال ضوابط را بنده عرض کردم و هنوز هم این ضوابط را در امور اداری مراعات می کنیم تازه شخص پیشنهاد شده در شورای انتصابات مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و من اسم اعضای شورای انتصابات را هم اینجا نمی برم ولی هر کس میل دارد بداند میتواند بایشان بگویم تا بداند چه افراد شریفی که تمام مدت سی سال را معلمی کرده اند بدون انتظار دیناری پاداش در این شورا شرکت دارند و شرافتمندانه کار می کنند (احسن) یکی از برنامه های بسیار اصل ما جلب توجه مردم ایران و سرمایه گذاران خارجی در کار تعلیم و تربیت است و من از جلب توجه مردم ایران باین کار واقعاً خرسندم بدلیل اینکه تمام این مطالبی که اینجا مطرح میشود و وقت مجلس را می گیرد دلیل توجه مردم ایران به امر آموزش و پرورش است سالهای پیش بیاد دارم مراکز تحصیل تربیتی را بستند هیچکس صحبتی نمی کرد چون به مسئله آموزش و پرورش عقیده و توجه نداشتند ولی امروز خوشحالم اگر شما ساعتهای بیشتری را هم برای آموزش و پرورش صرف میکنید.

انتقاد و راهنمایی بکنید راه نشان بدهید خیلی خوشحال می شوم برای اولین دفعه بانک بین المللی که هرگز در کار تعلیم و تربیت سرمایه گذاری نمی کرد و آنکار را یک کار غیر اقتصادی می دانست برای اولین دفعه حاضر شد در اینکار سرمایه گذاری مبلغ ۱۵ میلیون دلار بگنجد و الآن هم مشغول تهیه یک برنامه دیگر برای دومین قسمت اینکار هستیم امیدوارم ساعت های بسیاری نمایندگان محترم و قششان را صرف آموزش و پرورش بکنند چون انتقادات شما باعث تقویت ماست این است آموزش ما برای کودکان و نوجوانان رقمی است که هیچ روزنامه ای در مملکت این تیراژ را در حدود ۷۵۰ هزار شماره ندارد و این مجلات یک بقدری مورد تأیید و علاقه محصلین و بچه ها هست که شاید آقایان و خانمها بچه دارند خوب می دانند که بچه ها با چه اشتیاقی منتظر مجله پیک هستند (صحیح است) و من اینجا باید ذکر کنم من آموزش و پرورش را منحصر بچهار دیوار کلاس نمی دانم بلکه مسائلی نظیر روزنامه ها مجلات تلویزیون و رادیو و اجتماع تمام عوامل آموزش و پرورش هستند اجرای تعلیمات اجباری در ۲۵ شهرستان در سال گذشته و انشاء الله اجرای آن تعداد بیشتری در سال آینده بفرمان شاهنشاه آریامهر نشان دهنده کوششهای بلا انقطاع مسئولین آموزش و پرورش است اما باید عرض کنم اشکالات اساسی که در راه آموزش و پرورش کشور وجود دارد اینها نیست بلکه مطالعه بیشتری باید بکنیم تا استقبال شدید مردم را در آموزش و پرورش و این علاقه ای که مردم بگذارند بچه هایشان در مدارس از خود نشان می دهند با مشارکت خودشان و با علاقه خودشان بآن سرو سامان بخشیم و بتوانیم اطفال لازم التعلیم را بمدرسه ببریم لازم است که یک مزه دیگری را هم عرض کنم و آن این است که امسال غیر از اعتباراتی که بهر طریق برای بچه ها بدست آوردیم اعتبار صد هزار نفر دیگر را برای روستاها و افراد لازم التعلیم از کمیته پیکار جهانی که سال ها پولها را برای تعلیم و تربیت بزرگسالان در سنین ۴۰ - ۴۵ سال مصرف کرده بود خود من هم در آن کمیته هستم متأسفانه متوجه شدیم و

هنوز هم از آن وقت فهمیده شد که پول هر چه خرج می کنیم و بزرگسالان را با سواد می کنیم از آن طرف نسبت بیسوادی در کشور بالا می رود و اینمورد بکلی تخصیص داده شد بکودکان و ما می توانیم صد هزار نفر از کودکان لازم التعلیم را بمدرسه بفرستیم (احسن) بهر صورت من از حوصله خانم ها و آقایان بسیار متشکرم و باز هم می گویم آموزش و پرورش هر کشوری بتمام نظریات و انتقادات مردم آن کشور بستگی دارد و چه خوبست که این انتقادات با مطالعه و دقت و خالی از هر نوع غرض و نظر شخصی باشد تا ما بتوانیم بچه های خودمان را برای رسیدن بتمدن بزرگ تربیت کنیم در پایان عرایضم از همکار عزیزم فقط یک سئوال می کنم که برای این لایحه با چه استدلالی رأی مخالف خواهند داد لایحه ای که پولش به همت رهبر بزرگ مملکت و با کوشش وزارت دارائی بدست آمده و در بهترین مورد یعنی رفاه زندگی معلم دارد مصرف میشود شاید بتوانید از حزبتان کسب اجازه کنید و باین لایحه رأی مثبت بدهید (احسن) متشکرم - آفرین)

رئیس - آقای مهندس ستوده

مهندس ستوده (وزیر پست و تلگراف و تلفن) - با اجازه مقام ریاست چون از وزارت پست و تلگراف و تلفن هم ایراداتی گرفته شد و لازم بود این جا جواب عرض کنم این است که بنوبه خود آمده ام عرایضی عرض بکنم بنده هم از نمایندگان اکثریت هم مسلکان خودم تشکر می کنم و همچنین تشکر میکنم که قسمت اعظم مطالب را گفتند و زحمت بنده را کم کردند و از نمایندگان اقلیت هم تشکر میکنم که این فرصت را بمن دادند تا عرایضی درمورد وزارت پست و تلگراف در اینجا عرض برسانم ولی چه کنم فقط بنده را محدود کردید بیک نامه از ساری بآمل و یک نامه از بوشهر به تهران و گران شدن نامه هوائی و از تمام فعالیت هائی که در این مدت دور و دراز وزارت پست و تلگراف کرده اصلاً اسمی برده نشد ، دلش را باین علت میدانم که آقایان همه اطلاع دارند و

مورد تأییدشان هم هست باین جهت ناچارم خودم را محدود کنم باین مطلب . جناب نامور فرمودند که از بوشهر ۲۰ تومان دادند و نامه دو روزه به تهران رسید در مرحله اول بنده تعجب میکنم شاید هم اجرت نامه ۲۰ تومان اجرت خوبی باشد دو روز هم زمان خوبی باشد ولی حضورتان عرض میکنم که چهار صد هزار نامه را بقیمت ۱۰۰ این مبلغ در همین زمان توزیع میکنیم و به سطح مملکت میرسانیم و هیچوقت نشده که واقعاً باین میزانی که میفرمائید برسد ولی در هر سرویس شما در همه جای دنیا نگاه کنید هیچوقت مطلبی نمی شود گفت که این سرویس کامل است همیشه در هزار نامه ده نامه ممکن است نرسد یا دیر برسد به تناسب فعالیت آن سازمان وزارت پست و تلگراف هم از این قضیه مستثنی نیست ولی مسلم میدانیم در این چهار صد هزار نامه ای که فرستاده می شود حتماً یک درده هزار علت هائی دارد که بعرضتان میرسانم شما اگر به پست تشریف بیاورید می بینید که واقعاً نامه هائی هست که آدرس گیرنده فراموش شده حالا قبول ندارید ولی به پست تشریف بیاورید ببینید نامه هائی هست که یک نفر می فرستد به تهران اسم گیرنده اصلاً ندارد و نامه هائی است که نوشته اند به تهران و اسم یک نفر را نوشته اند و اسم گیرنده را ننوشته اند و انتظار دارند که نامه برسد در موردی که فرمودند نوشته بود و ادویه آقای الموتی و بستچی با انصاف برده پیش آقای الموتی که شاید ایشان باشد چیز دیگری در دست ندارد یا خیلی همت کنند مینویسند تهران خیابان پهلوی که از ایستگاه راه آهن هست تا تجریش و فلان اسم را بنویسند که اتفاقاً اینقدر مشهور است پیش من آمد گفت من آنقدر معروفم که اگر اسم من را بنویسند باید بشناسند گفته شد در خیابان پهلوی اقل صد نفر پست چی داریم مثلاً مینویسند تهران کوچه حافظ مینویم بگویم در نقاط مختلف تهران ۱۸ کوچه حافظ هست مختصر گرفتاری ما فقط این آدرس نیست بدنویسی روی پاکت هم هست که واقعاً ما را گرفتار کرده و حالا هم مد شده نامه های ایرانی را هم که بهم دیگر مینویسند بزبان خارجی مینویسند که مجبوریم ترجمه کنیم اینست یک گرفتاری عظیم ما که واقعاً

بدنویسی آدرس پیدا کردن است و این مطلب را ما اذعان میکنیم که خوب نامه‌هایی هم هست که یک در ده هزار نمیرسد با این گرفتار بهائی که موجود است ولی سعی میکنم با حداکثر امکان موجود حداکثر کوشش را بکنیم که نامه‌ها را برسانند ولی اگر واقعاً قانع باین بودیم که یک برنامه عظیمی در برنامه چهارم نداشتیم که یک مقدار زیادی از اعتبار این پروژه‌ها را اجرا کنیم پول خرج بکنیم برای اینکه پست‌مان را بهتر بکنیم الآن اگر دقت کنید همین دو هفته پیش بود که یک مرکز بزرگی در باغشاه بوسعت ۳۵۰۰۰ متر مربع برای سانتر تجزیه پست افتتاح شده و ۷۰ میلیون تومان خرج آن شده و تمام ماشین‌ها برای تجزیه اتوماتیک نصب میشود و مراکز نظیر این یک کمی کوچکتر در ۷ ناحیه تهران شروع شده و در تهران زمینهای خریداری شده برای اینکه پست تهران بهتر بشود به این تنها اکتفا نمیشود یک قسمت از کار ما چون تجزیه است و ناچاریم این مرکز را داشته باشیم قسمت دوم آدرسها است الآن اطلاع دارید که قسمت اعظم تهران کدبندی شده و این ادامه پیدا خواهد کرد و ما دیگر احتیاج با درس خیابان نداشته باشیم کافی است که شماره را روی نامه بنویسند و روی آن شماره، نامه‌رسانها سریعاً بتوانند نامه را برسانند و بکدها تقسیم کنند و این کدگذاری شروع شده در مناطق مختلف هر قسمت به ۸ منطقه در مناطق کوچک هم الآن شروع شده بطوریکه وقتی این سیستم کامل شد، ساختمان تمام شد و دستگاه نصب شد یک سرعت بیشتری در کار نامه‌رسانی پیش خواهد آمد این از این نظر است که این برنامه‌ها و این پروژه‌ها هست غیر از پروژه مرکز تعلیم که الان در پست درست شده که سال گذشته در حدود ۳۸۰ نفر از پستی‌های ما را تعلیم دادند و همینطور پیش می‌روند تا واقعاً بتوانیم بآن پستی برسیم که لازمه این مملکت است و همانطور که عرض شد واقعاً یک فرصتی برای ما هم هست که خودمان را برسانیم بآن تمدن بزرگ. در اینجا صحبت از مخابرات شد متأسفانه چون در این قسمت بحثی نباید بشود مطلبی نباید بعرضتان برسانم شما وقتی می‌گوئید یک سرویس یک

ماشینی خوب است یا یک دستگاه مخابراتی خوب است تعریفش که میکنید از نظر قابل اطمینان بودنش می‌گویند ۹۹/۹۹٪ کارش خوبست معنی و مفهوم این چیست؟ یعنی در هزار ساعت کار یک ساعت فقط درنگ داشته باشد اگر یک چنین اتفاقی بیفتد یک چیز طبیعی قاعدتاً باید باشد میدانیم در کشور ما رادیو یک ساعت اگر قطع بشود بعد از ۳۳ سال کار کردن قطع نشدن که یکبار اتفاق میافتد در برق اگر کار بزرگی می‌کنند اشکالات هم بزرگ است وقتی که ما کار بزرگی می‌کنیم شبکه بزرگ داریم اشکالاتمان هم بزرگ است با وقتی در تهران تعداد زیادی موتورهای کوچک کار می‌کند برقی با ولتاژ کم با نور کم بود هیچ اتفاقی در تهران نمی‌افتاد دوتا موتور هم از کار نمی‌افتاد آن برق بود ولی امروز یک شبکه عظیم تحت نظر مهندسين و متخصصین درست شده چه در مخابرات چه در برق این‌ها واقعاً زحمت می‌کشند امروز کاری در مملکت ایجاد شده در تمام وزارتخانه‌ها که اینها را نباید دلسرد کرد باید قطع شدن نباید قلم بطلان روی همه کشید بنده ناچار بودم در اینجا این مطلب را عرض کنم و می‌گویم این یک امر طبیعی است و نه تنها فقط در کشور ما اتفاق میافتد در امریکا هم دیدید که دوسه روز برق قطع بود مطلب دیگر که جناب آقای فرهاد پور فرمودند راجع به کاغذهای هوایی بود که ۲۵٪ گران شده بنده باید این سابقه را حضورتان عرض کنم همانطور که میدانید ما ۹۲ سال پیش عضو اتحادیه پستی جهان شدیم و برای اینکه عضویان اتحادیه بشویم لازم بود که مجلسین تصویب بکنند بهر حال ما عضو این اتحادیه شدیم و در آن کنوانسیون ذکر شده که ما باید تبعیت کنیم از قوانین اتحادیه از نظر پستی در کنگره‌هایی که تشکیل میشود پیشنهاداتی میشود که کشورهای عضو باید رعایت این پیشنهادات را بکنند، امسال هم در ژاپن کنگره پیشنهاد کرد که نرخ زمینی پست بالا برود و ما هم طبعاً تبعیت کردیم البته از اول سپتامبر گفته بودند که کمی تأخیر شد نرخ پست زمینی کمی بالاتر رفت ولی همیشه نرخ یک پاکت هوایی عبارتست از نرخ پست زمینی با اضافه نرخ پست هوایی ولی چون نرخ پست زمینی ما یک

تومان قیمتش است نمی‌توانستیم قیمت پست هوایی را از یک تومان کمتر بگیریم ولی اینکه فرمودید با دوریال کسر تمر نمیرسانند باید عرض کنم واقعاً خلاف بعرضتان رسانده‌اند چون دو ریال کسر تمپر را میگیرند ولی نامه را می‌رسانند این است که ما نامه‌ها را ناچار شدیم که قیمتش را یک تومان کنیم ولی خدمتتان عرض کنم در نرخهای هوایی برای ۱۰۵ کشور نرخ هوایی را پائین آوردیم یعنی قبلاً برای امریکا ۲۴ ریال بود حالا دو تومان است و در همین حدود برای ۱۳۵ کشور که شاید اسامی آنها برای آنها مشکل باشد و تا حالا در لیست نبود ولی برای ۱۶ کشور یک کمی بالا رفته اینکه فرمودید به چه مجوزی بوده باید عرض کنم طبق قانون متمم بودجه ۱۳۲۰ دولت مجاز است در مورد تعرفه پست و تلگراف با تصویب هیئت وزیران تصمیم بگیرد ما از این اختیارات استفاده کردیم مطلب آخر راجع به فرستنده ۲ هزار کیلوواتی بود که وزارت پست و تلگراف آن را تأسیس کرد البته از نظر تبلیغاتی فرمایشاتی فرمودند که وزیر اطلاعات جواب خواهند داد آنچه که مربوط بنده است باید عرض کنم که دستگاه فعلی رادیو تلویزیون بی‌نهایت فعال است و واقعاً کارهایی که میکنند معجزه آساست و می‌بینید که در تمام نقاط کشور رادیو و تلویزیون پخش می‌شود چون تردید فرمودید در مورد این دستگاه دوهزار کیلوواتی بنده خدمتتان عرض میکنم شما از دوازده ظهر تا دوازده شب هروقت بیچ رادیو را روی ۴۰ کیلوسیکل باز فرمائید فرستنده دوهزار کیلوواتی شما کار میکند و اگر هم الآن اینجا رادیویی بود می‌آوردند شما بباز می‌کردید شما می‌دیدید فرستنده با قدرت کامل دارد کار میکند از این جهت تردید فرمائید فرستنده با تمام قدرت الآن آنجا کار میکند و علاوه بر آن فرستنده‌های موج کوتاه ۲۵۰ کیلوواتی هست که خوشبختانه در امریکا و اروپا صدایش بخوبی شنیده میشود البته فرستنده‌های دیگری هم هست و تا آن جائیکه من اطلاع دارم رادیو و تلویزیون برنامه‌های بسیار وسیعی برای رادیو و تلویزیون دارند که مسلماً در سال‌های آتی بخوبی انجام خواهد شد (احسن).

رئیس - آقای دکتر شامقلی فرمائید.
دکتر شامقلی (وزیر بهداشت) - هم مسلکان عزیز من در پاسخ نمایندگان حزب اقلیت در ساخت مقدس مجلس شورای ملی در مورد امور بهداشتی و سایر امور مملکتی مانند یک برنامه ریز پاسخ گفتند و کار من را که وزیر بهداشتی هستم در پاسخ بمسائل بهداشتی سبک کردند افتخار میکنم به مکتب حزب ایران نوین که یک چنین افرادی را تربیت کرده (احسن) که اینگونه به طرح‌ها و برنامه‌های مملکتی آشنا و مسلط هستند باید عرض کنم که وزارت بهداشتی اگر اولویت اساسی به برنامه‌های پیشگیری و بهداشتی خود میدهد دلیلش خیلی واضح است من همیشه این را تشبیه کرده‌ام یک شیر آبی که چکه می‌کند عملیات بهداشتی تعمیر آن شیر آب است که چکه نکند بجای آنکه ماسطلی را دائماً زیر این شیر آب که چکه میکند بگذاریم که پر بشود ما سعی می‌کنیم با عملیات بهداشتی و مصونیت هائی که برای افراد ایجاد میکنم، این سطل‌ها که بیمارستانها هستند با مریض پر نشود و وسعت و تنوع برنامه‌های بهداشتی بقدری زیاد است که من البته برای هم مسلکان عزیزم در حزب و در فرا کسیونهای حزبی صحبت کرده‌ام و بطور کامل آشنا هستند ولی در اینجا رئوس مطالب را باز عرض میکنم تا وسعت کار و تنوع کار وزارت بهداشتی برای آقایان بیشتر روشن بشود در زمینه پیشگیری بیماریهای واگیر، بیماری سل، جذام بیماریهای آمیزشی و بیلارزیوز، آبله، دیفتری، کزاز، سیاه‌سرفه، سیاه‌زخم، فلج اطفال، بیماریهای روده‌ای سرخک، تب‌مالت، روماتیسم قلبی، سرطان، مالاریا از برنامه‌های مهم و در دست اقدام وزارت بهداشتی است فقط راجع به یکی از کارهایی که در این زمینه انجام میشود بعرضتان میرسانم و آن فقط واکسیناسیون است که در سال بین ۳۰ تا ۳۵ میلیون دز واکسن در مملکت تزریق میشود برای جلوگیری از شیوع این بیماری رقم یک میلیون یا ۳۵ میلیون گفتنش چیزی را نشان نمیدهد خیلی زیاد آگاهی برای افراد ایجاد نمی‌کند، ولی شما اگر بخواهید یک میلیون را از یک تا ۳۵ میلیون

بنویسد روزی ده ساعت هم کار کنید آیا میدانید چه مدت طول خواهد کشید؟ خواهش می کنم حساب بفرمائید بعداً به عظمت لژیستیک این کار یعنی تلفیق در سطح وسیع کشور باروستاهای پراکنده آگاهی حاصل خواهد شد فرمود تازه این یک قسمت از وظایف کارمندان وزارت بهداشت است آنوقت گفته میشود اینها خدمتشان کم است البته یکت بار می گویند خدمت نمی کنند و یکت بار می گویند چرا به این خدمتگزاران حقوق کم میدهند این خدمت یکی از خدماتشان هست که در مملکت انجام میدهند. با کمالات شرافت در گرمای تابستان و سرمای زمستان این خدمت را به مملکت انجام میدهند (صحیح است) تقاضای من این است که خدمت پزشکان، پرستاران، متخصصین فنی و سایر کارکنان بهداشتی، این سربازان سفیدپوش انقلاب را که شبانه روز در خدمت شما هستند نادیده نگرفته و بایمانانی که ممکن است ایجاد سوءتفاهم کند آنان را دلسرد نکنید هر چند که اطمینان دارم دلسرد نخواهند شد چون وظیفه ملی خود را انجام میدهند.

یک مثالی برای آقایان میزنم راجع به درست دوسال قبل از انقلاب که بیماری وبا فقط ایران را تهدید می کرد و بسیج مقدرات وزارت بهداشتی تنها بشرحی بود که آن عرض می کنم تمام مقدرات تجهیز شده که واکسیناسیون علیه وبا به عمق ۱۰۰ کیلومتر و جمعیت ۸۳۰ هزار نفر و اکسینه بشوند ۶ ماه و چند روز طول کشید در سال ۱۳۴۴ در ظرف ۴ ماه ۳۵ میلیون دز واکسن در مملکت تزریق شد نشان دهنده اینست که کارکنان وزارت بهداشتی در این مدت کوتاه همان کارکنان قبل از انقلاب به چه طریق با انقلاب ایران آشنا و همگام شدند بجه طریق برای مملکتشان خدمت کرده اند (فرهادپور - یک مقایسه ای از تلفات این دو مورد اگر ممکن است بفرمائید آماری اگر در وزارت بهداشتی هست بفرمائید تلفات و با در سال ۳۹ و سال ۴۴ واکسینه شده مبارزه شده جلوگیری شده میخواستم اگر آماری خدمتتان هست مقایسه ای بفرمائید) عرض میکنم از وسعت خدمات بهداشتی راجع به مالاریا

صحبت کردم گفته شد که جراحی در کازرون تغییر شغل داده است البته خیلی ساده است که عرض میکنم این شخص رئیس بهداری کازرون بوده است نه جراح بیمارستان ولی در بیمارستان جراحی هم میکرده است ۱۸ سال زحمت کشیده بود برای طی دوره مدیریت بهداشتی در دانشکده بهداشت درس میخوانند که با کمک معلومات مدیریت خدمات بیشتری را بتوانند باین مملکت انجام بدهند اعلان در روزنامه هست برای استخدام جراح و دو نفر از جراحان شیراز هم به تناب در بیمارستان کازرون کار می کنند ولی در کازرون در سال ۱۳۴۷ بیماری مالاریا مواردش بعلت مصونیتی که پشه به تمام مسموم موجود پیدا کرده بود در کازرون تنها ۴۰۵۷ مورد بود در سال جاری فقط ۵۹ مورد در کازرون بیماری مالاریا دیده شده البته در بیشتر نقاط مملکت این بیماری ریشه کن شده است (احسن) شرح یک خدمت بهداشتی کوچک دیگر در حال حاضر در سطح مملکت خانه ای در میچ روستائی نخواهد دید که ماهی یکبار مأمور مالاریای وزارت بهداشتی به آن سرزده باشد

عباس میرزائی - صحیح است، این یعنی خدمت.

دکتر ناوی - این را می گویند خدمت.

دکتر شاهقلی (وزیر بهداشتی) - برنامه های دیگر

مهم بهداشتی را که وزارت بهداشتی اکنون مأمور اجرای آن است بهداشت مادران و کودکان است، بهداشت روانی است، آموزش بهداشت است، درمان توان بخشی معتادان است، کنترل مواد غذایی است تنظیم دارو است برنامه تنظیم خانواده که یکی از اساسی ترین برنامه هائی است که الآن تقریباً ۴ سال است که وزارت بهداشتی شروع کرده است از هر پیشگیری یک مطلب خیلی ساده ای را عرض میکنم برای اینکه اهمیتش روشن بشود برنامه واکسیناسیون علیه بیماری سرخک یک جزئی از برنامه هائی است که اجرا می کند اجرای این برنامه تعداد موارد بیماری را ۹۲٪ تقلیل داده سالیانه فقط این عمل بهداشتی کوچک علاوه بر اینکه تخت بیمارستانی را بتعداد در حدود ۵۰ هزار مراجعه بیمار یعنی ۵۰۰ هزار تخت هر روز برای بیماران دیگر آزاد ساخته است از تلفات حد

اقل ۱۵ هزار کودک جلوگیری نموده (احسن) در مورد مسئله خدمات درمانی و واگذاری بیمارستانها صحبت شد باید عرض بکنم در سال قبل از انقلاب ۲۰ هزار تخت بیمارستانی در کشور موجود بود با وجود اینکه برنامه دولت حزب ایران نوین اولویت با امور بهداشتی بوده است در دوران بعد از انقلاب ۱۷ هزار تخت بیمارستانی بر این ۲۰ هزار تخت موجود در کشور اضافه شد (احسن) ولی این بیمارستانها چرا واگذار میشود؟ در اینجا بحث شد علت واگذاری بیمارستانها را خیلی ساده در اصول و عقاید حزب ایران نوین که من خود را مجری آن اصول نیز میدانم و یک سرباز مطیع حزبی هستم (احسن) خواهید دید خواهش می کنم مطالعه بفرمائید آشنائی باین اصول لازم است یک موضوع خیلی عجیبی اینجا بحث شد راجع به واگذاری که اینها بدون اثاثیه و پرسنل باید عرض کنم دولت چه بیمارستان واگذار شده باشد چه بیمارستان خصوصی باشد یا دانشگاهی باشد وظیفه خودش میداند که استاندارد این بیمارستانها را بالا نگهدارد اصولاً وسائل به چه دردها برهما بخورد چه چیز بیمارستان را نگاه دارند اگر فرض اینکه بخواهند نگهدارند تختش را، میز پای تختش را، پنوش و امن نمیدانم چه چیز را از بیمارستان میشود خالی کرد و به چه دردشان میخورد علاوه بر اینکه اینطور نشده است ۲۰ میلیون تومان در بودجه امسال برای بهبود وضع همین بیمارستانها بصورت کمک بسازمان شیر و خورشید سرخ ایران داده شده است من از جناب آقای دکتر خطیبی باید تشکر بکنم که قبل از اینکه این فرمایشات مطرح بشود تقریباً در یک ماه قبل پشت همین تریبون صحبت فرمودند و از نوع واگذاری و طرز واگذاری بیمارستانها از وزارت بهداشتی تشکر فرمودند مطمئن باشید چنین موضوعی صحیح نیست اگر هر مورد را نشان دهید مسئول یا مسئولین بشدت تنبیه خواهند شد وظیفه دیگری را وزارت بهداشتی انجام میدهد و آن تربیت نیروی انسانی است برای کارهای بهداشتی اش که من جزئی از آنرا که خدمت آقایان عرض کردم تعداد آموزشگاههای بهیاری در ۷ سال اخیر

از ۱۳ به ۴۶ و پرستاری از ۶ به ۱۸ رسیده است تعداد فارغ التحصیلان پرستاری و بهیاری قبل از انقلاب ۴۵۰ نفر بوده است امسال ۱۴۰۰ نفر است راجع به تیراسیکلین و کاری را که در امریکا راجع باین موضوع شده است صحبت شد باید عرض کنم که از نظر دولت ایران هم این موضوع مخفی نمانده بود در هیئت دولت صحبت شده است وزارت بهداشتی این کار را کرده و الآن هم مدتهاست وزارت امور خارجه مأموریت دارد که اینکار را تعقیب کند موضوع دیگر اختلاف حقوقی پزشکان وزارت بهداشتی و سازمان بیمه های اجتماعی است ممکن است اختلاف حقوقی در شهر تهران باشد ولی اصلاً مسئله قابل بحث نیست چون دودستگاه دولتی و غیردولتی را با هم مقایسه میکنیم دو چیز قابل مقایسه را مقایسه میکنیم اختلاف حقوقی خیلی جاهای دیگر در بخش خصوصی و بخش دولتی وجود دارد و با هم فرق دارد. چون رقم داده شده بود باید عرض بکنم که هیچ پزشکی در وزارت بهداشتی نیست که حقوقش ۹۵۰ تومان باشد که آقایان اظهار فرمودند و هر کدام از پزشکان وزارت بهداشتی که مایل باشند در نقاطی که ما الآن احتیاج داریم میتوانند ۷ هزار تومان حقوق بگیرند و خدمت بکنند (یک نفر از نمایندگان - ۷ هزار تومان؟) بله در نقاطی که احتیاج داریم بصورت پیمانی (احسن) (یک نفر از نمایندگان خیلی خوب است) مسئله دیگری را که یک بحثی اینجا شده بود من فقط یک رقم خیلی کوچک میدهم تربیت پزشک نسبت به تربیت تمام متخصصین متفاوت است طول زمان بیشتری میخواهد تا تعدادی پزشک برای مملکت تربیت شوند تقاضا و تمنا من اینست که واقعاً از نزدیک ببینید که همین سپاهیان بهداشت پزشکانی را که در دور افتاده ترین نقاط کشور خدمت میکنند چه خدمتی و در چه سطح معلوماتی برای هموطنان انجام میدهند قبل از انقلاب ما ۵۳۰۰ پزشک در کشور داشتیم اکنون متجاوز از ۱۰ هزار پزشک در کشور هست و ۱۰ هزار هم رقم کوچکی است برای رفع احتیاجات نیروی انسانی پزشکی در کشور که البته برای آنها هم فکری شده الآن تمام درمانگاههای وزارت بهداشتی و سپاه بهداشت که

همه اش سیاری میکنند در مانگامهای وزارت بهداری هم در دست اقدام است که بتدریج در برنامه چهارم انتهای برنامه چهارم بطور سیاری خدمت خواهند کرد یعنی خدمت یک پزشک الآن بیشتر پرستارهای کشور و افراد میرسد تنهاسپاه بهداشت ۶ میلیون نفر از جمعیتی را که هیچ دسترسی به خدمات درمانی نداشتند سرویس میکند (احسن) من از حوصله آقایان خیلی تشکر میکنم و از دوستان من که با سخنهاشان را در سطح برنامه ریزی بهداشتی توانسته اند بعرض آقایان برسانند خیلی متشکرم (احسن).

عبدالحسین طباطبائی - آقای رئیس اجازه می فرمائید؟

رئیس - سؤال جنابعالی در جای خودش بموقع مطرح خواهد شد.

عبدالحسین طباطبائی - بموجب ماده ۷۴

رئیس - عرض کردم آن سؤال بجای خود باقی است.

عبدالحسین طباطبائی - جناب آقای مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای ملی قربان مسئله جان مردم مطرح است.

رئیس - صحیح است گفتیم که سؤال جنابعالی را در دستور مجلس میگذاریم تشریف میآورند جواب میدهند. آقای وزیر کشور بفرمائید.

دکتر ساس (وزیر کشور) - اجازه میخوام قبل از پاسخگویی بمطالبی که چند نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی درباره وزارت کشور ایراد فرمودند بنکته ای اشاره کنم که دوست عزیز جناب زنتاب فرد در مقدمه فرمایشاتشان بفرمایند شاهنشاه استناد جسته و فرمودند که معظم له تأکید فرمودند اگر انتقادی از دستگاههای مملکتی دارید بیان کنید تا معایب و نواقص موجود برطرف بشود ایشان بمطلبی تکیه کردند که از دیرباز نصب العین دولت حاضر بوده است (صحیح است) و دولت فعلی که ماهم از نیات و افکار درخشان پیشوای عالیقدرمان شاهنشاه آریامهر است نه تنها به انتقادات گوش داده است بلکه از انتقادات مثبت و سازنده در جهت رفع نواقص دستگاهها استفاده کرده است و خود او نیز اغلب در موازین و یکبار در خور انتقاد بوده است انتقاد کرده و در صدد چاره برای رفع

مشکلات برآمده است ولی اجازه بدهید دوستی بدوستان خود بگویم که تنها ذکر کلام بزرگان حلال مشکلات نخواهد بود ما باید از آن کلام از آن افکار از آن نیات الهام بگیریم و آنها را بکار بیندیم تا نتیجه ای که بابدو شاید عاید اجتماع و مملکت ما بشود (آفرین) بنابراین بنام یک عضو کوچک این اجتماع عرض میکنم آرزو دارم برسد روزی که ما صرفاً در صدد ایراد انتقادات مثبت و سازنده و ارزنده باشیم بخصوص در ساحت مقدس مجلس شورای ملی چنان انتقاد کنیم تا مقام ارزنده و پرارجی را که مجلس شورای ملی دارد همیشه والا تر و عالیتر نگاه داریم دوست ارجمند ما ایراداتی نسبت بکارهای وزارت کشور بیان فرمودند یکی از آن موارد این بود که دو سال درباره تغییر نام یک منطقه ای بادستگاه وزارت کشور مکاتبه شده است و جوابی دریافت نکرده اند منطقه ای بنام ملک کنده پیشنهاد شده بود که به ملک شهر تبدیل بشود من بسوابق امر مراجعه کردم جناب ایشان با وزارت کشور مکاتبه ای نکرده بودند ولی در استان آذربایجان چنین مکاتبه ای شده بود از طریق استاندار با دستگاه وزارت کشور تماس گرفته شده موضوع در شورای نامگذاری مطرح شده بود و با تغییر چنین نامی مخالفت کرده بودند جواب استانداری را هم داده بودند خوشبختانه نسخه ای از مکاتبات استانداری را هم دیدم که برای اطلاع جنابعالی فرستاده بودند اما در مدت کوتاه خدمتگزاری من شاید در هفته های اول خدمتم در وزارت کشور بود که این مطلب را با من در میان گذاشتید من تحقیق کردم و به جنابعالی حضوراً عرض کردم که با این نام موافقت نمیشود و دلیل خودمان را هم عرض کردم این عدم موافقت مربوط بدستگاه وزارت کشور تنها نیست در کمیسیونی است متشکل از افراد صاحب نظر و متخصص که تمام جنبه های سیاسی و اجتماعی و معنوی کار را در نظر میگیرند و تصمیم میگیرند از جنابعالی خواهش کردم که نام دیگری را که مورد علاقه مردم هست بیان بفرمائید با کمال میل در شورا مطرح و نتیجه را اعلام میکنیم حال جنابعالی معتقدید که باین کار جواب داده

نشده است از طرف دیگر معتقد هستیم که انقلاب اداری در این مملکت باید پیاده شود انقلاب اداری برخلاف سایر اصول که ممکن بود، با نوشتن یک سری قوانین و با اجرا گذاشتن آنها بشمر نمیرسد انقلاب اداری که بکطرفه نیست دوطرفه است دستگاهها باید بنحوی خودشان را اصلاح کنند مراجعین دستگاهها هم که برویه دیگری عادت کرده اند خود را اصلاح کنند اگر من شفاهاً بشما گفتم این کار عملی نیست بخاطر اینکه از اشتغال چند نفر از همکارانم در وزارت کشور با قرطاس بازی و نامه نگاری جلوگیری بکنم و نتیجه کار را در اسرع اوقات به جنابعالی بگویم حالا اگر معتقدید که گفتن نتیجه کار شفاهاً درست نیست سند میخواهد مدرک میخواهد امری است جداگانه باز برمیگردیم به سیستم قبل از انقلاب و آن رویه را پیش میگیریم و از این گذشته در این امر کوچک که یک امر نظری و معنوی مطرح بوده است چرا پنهان کنم یک نقطه ای که تمام شرایط ده بودن در آن جمع است من یک شهرداری در آن جانا تأسیس کردم بخاطر وجود شهرداری که یک جا شهر نمیشود بخاطر تغییر نام کنده که بمعنای ده است به شهر که شهر بوجود نمیآید یک کور مادرزاد را اگر لقب عین الله باو بدهند آریا بیبا میشوید؟ یا اگر بمن بگویند رشید السلطان آریا قد من بلند میشود؟ من معتقدم که بجای اینکه دنبال این الفاظ برویم برویم هممان را صرف آبادانی بکنیم و بنام زیاد نپردازیم تا روزی برسد که افتخار کنیم که ملک کنده از هر ملک شهری هم بزرگتر بشود (احسن) مطلب دیگری را که عنوان فرمودند و آنرا با سوگند هم همراه کردند این بود که وزارت کشور به تبریز کمکی نکرده من امشب وقتی بیانانان را میخواندم چون سعادت حضور در جلسه را نداشتم فرموده بودید که من در دوره قبل از تبریز وکیل بودم نمیدانم چه گناهی کردم که از بناب در آمدم من که نمیدانم گناهی بوده است یا خیر ولی شاید شر همان سوگندهای ناصحیح شما را گرفته باشد دوست عزیز چه جویری شما سوگند یاد میفرمائید که کمکی نشده است این خلاف واقع است من یقین دارم منظور شما از اینکه کمک نشده است

بمعنای نام کمک نکردن نبوده است بلکه نظر نان این بوده که کمک کافی و مورد نیاز به شهر تبریز نشده که منم باشما هم آواز و هم صدا خواهم بود سهمیه عوارض جایگزین دروازه ای که سالیانه به تبریز حواله میشود در سال ۴۸ ۲۷ میلیون و ۹۳۶ هزار ریال بوده در سال ۴۹ هم ۲۷ میلیون و ۹۶۸ هزار ریال در سال ۵۰ تاکنون ۲۷ میلیون و ۹۶۸ هزار ریال باصافه در سال ۴۹ - ۴۳ میلیون و ۶۰ هزار ریال از محل دیگری باین شهر کمک شده است در سال ۵۰، ۴۳ میلیون و ۱۶۰ هزار ریال علاوه بر این ارقام مبلغ ۱۲ میلیون ریال در اختیار استاندار گذاشته شده است که در صورت نیاز بشهرداری کمک کند من ادعا نمیکنم که این مبلغ جوابگویی تأمین نیاز مندیه او خواسته های مردم تبریز هست (فرهادپور) - ممکن است چند استان دیگر را هم بفرمائید (اگر این را در بیانانان فرموده بودید فهرست میآوردم چون من حاضر الذهن نیستم و این ارقام را هم که ملاحظه می کنید از روی یادداشت میخوانم برای تمام شهرداریهای استان آذربایجان که شاید مورد سؤال قرار بگیرد آمار ورقم آورده ام و با کمال میل قبول میکنم هر نقطه ای را که لازم داشتید بفرمائید نه تنها برای شما بلکه پلی کپی میکنم برای تمام آقایان میفرستم نکته ای را بعرض آقایان برسانم (زنتاب فرد) - من عرض کردم کمک بلاعوض، فرمودید عوارض جایگزین دروازه ای بعد ۴ میلیون فرمودید از محل دیگر) ولی چون با افراد منطقی و اصولی روبرو هستم انتظار دارم به بیانانم توجه بفرمائید. دوازده میلیون که گفتیم کمک بلاعوض است زمانی بود شهرداریها در آمدی از طریق کسب عوارض دروازه ای تحصیل میکردند دولت وصول این قبیل عوارض را جایز تشخیص نداد و جلوی این کار را گرفت متقابلاً برای جبران کمبود اعتبار شهرداریها معادل رقم وصولی سال قبل که در بودجه شان منظور کرده بودند از محل کمک وزارت کشور پرداخت کرد.

فرهادپور - اختلاف همین جا است.

دکتر ساس - خیلی معذرت میخوام این حرف را از زبان کسی می شنوم که تا امروز ایشان را اهل تحقیق

میدانستم و الآن با گفته بعدی من تصدیق میفرمایند که گفته ایشان درست نیست این مال گذشته است بعد این اعتبار همینطور که اشاره فرمودید از محل وصولی ۶ درصد عوارض گمرکی بود سالیانه این عوارض رو به تزاید است حضورتان عرض کنم بعداً این اضافه در آمد را همانطور که استحصار دارد بطریق کمک بلاعوض توزیع میکردند البته استنادی هم در کار نبود هر کس زورش بیشتر و ارتباطش قویتر بود سهم بیشتری داشت ما بنام کسی که آنطرف میز کار میکند کار میکردیم صدایمان در آمد گفتیم ضابطه لازم است.

رامبد - در کدام دولت جناب آقای دکتر سام رابطه ای نبود؟

دکتر سام - در دولتی که دست دوستان جنابعالی بود و دولت بعدی.

رامبد - در آن موقع جنابعالی بیکاره بودید و استاندار نبودید.

دکتر سام - جناب رامبد متأسفم که جنابعالی يك معلم را بیکاره می شناسید باعث تأسف من و جامعه است من يك معلم شرافتمند بودم و بیکاره نبودم در آنروز من استانداران و وزراء را تربیت میکردم. بیکاره کسی است که.....

رامبد - شرافت شما را قبول داریم ولی جنابعالی آن موقع با اعتبارات وزارت کشور سروکار نداشتید (همه نمایندگان).

دکتر سام - مبلغی هم از طریق عوارض قند و شکر وصول میشد که قسمتی از آن منحصر آنصیب شهرداریهای میشد که در جوار کارخانجات قند بودند و قسمتی هم به وزارت کشور میرفت در آن وقت در سطح مملکت ۲۱۸ شهرداری از این اعتبارات استفاده میکرد صحیح نبود که بقیه شهرداریها تا ۴۳۶ واحد بی نصیب بمانند بر اساس توصیه نمایندگان و بررسی وزارت کشور راهی برای تقسیم عادلانه این اعتبارات پیش بینی کردند ممکن است آن راه را شما پسند نکرده باشید ولی راه و ضابطه این است کل عوارض وصولی گمرکات کل اعتباراتی که از محل

۲ ریال، يك ریال قند و شکر وصول میشود در يك حساب متمرکز شد بر اساس قانون، منهای مخارجی که تعهد کردیم و در صورت نیاز برای آقایان صورتش را خواهیم فرستاد بر اساس جمعیت مملکت تقسیم کردیم آن ضریبی که بدست آمد ضرب در جمعیت هر شهرستان کردیم و بعد آن مبلغ را بین جمعیت شهرداری های واقع در محیط شهرستان کردیم حالا دلیل اینکه بعضی از شهرداری ها سهمشان بیشتر شده و بعضی کمتر اینجا است در حوزه شهرستان تبریز تعداد شهرداری های خرده پزایزادتر است از شهرداری های که مثلاً در حوزه اصفهان است پس رقم شهرستان در جمعیت آن ۱۴ شهرداری تقسیم شده سهم کمتری رسیده که آنجاییکه ۱۲ شهرداری داشته بیشتر فرض کنید تبریز رقم جمعیتش ۵۰۰ هزار نفر بوده ضرب آن برای یک نفر ده ریال ۵ میلیون تومان سهمیه تبریز تقسیم شده بر جمعیت ۱۴ شهرداری بهر واحدی مبلغی رسیده فرض کنید ۲ تومان در يك استان دیگر این ۵۰۰ هزار نفر جمعیت مساوی بوده ولی ده شهرستان داشته این تقسیم شده به ده شهرداری و سهمیه آن شده ۲۵ ریال این اختلاف موجود است منم اعتقاد دارم و باید برای جبران این اختلاف کاری بکنیم در تبصره ای که در تصویب نامه هست و آقایان هم صحنه گذاشته اید ما را مقید کرده اگر اضافه در آمدی

در سال بعد وصول می شود بحساب جمع وصولی منظور بشود و بهمان نسبت تقسیم بشود منم قبل از احراز این سمت که بقول آقای رامبد بیکاره نبودم و استاندار بودم و هم در آن زمان معتقد بودم که ضابطه جمعیت تنها ضابطه مؤثر نمی تواند باشد عوامل دیگری هم هست مهلت اگر بدهید در صدد رفع مشکل بر خواهیم آمد تا به تبریز که استحقاق کمک دارد کمتر کمک شده کمک بیشتری بشود بی آنکه جای دیگری کمبودی داشته باشند بنا بر این کوشش خواهیم کرد شما هم اگر طرحی داشته باشید با آغوش باز می پذیریم (احسن) در کار شهرداری ها مطالبی بیان فرمودید جناب نامور در صحبتشان گفتند چون وزیر کشور خودش راجع به شهرداری ها صحبت کرده مطالبی ندارم بلکه ما ادعا نکردیم که دستگاه شهرداری ایده آل است ادعا نکردیم شهرداری های ماحلال تمام مشکلات

مردم هستند و کارهایشان را در اسرع اوقات انجام میدهند ولی از این اعترافات استفاده کرده و در صدد رفع مشکل هستیم بنظر من که يك معلم هستم و همیشه يك شاگرد مكتب مدیریت بوده ام معتقد پایه و اساس دستگاهها و سازمان امور استخدامی آنست قبل از آنکه ما تصمیمی راجع به بهبود وضع کار سازمانی بگیریم باید بوضع استخدامی کارمندان آن توجه کنیم تا کارمندی تأمین خاطر نداشته باشد از زندگی حال و آینده مطمئن نباشد تا کارمندی حداقل معیشتش فراهم نشده باشد نه خودش می تواند دل بکار داده و صادقانه کار کند و نه مسئول آن سازمان قدرت دارد که باو تکلیف کند که چنین و چنان کند ما قدم اول را که ۳۰ سال درباره اش صحبت شده برداشتیم این افتخار نصیب این دولت شد و در این دولت این افتخار نصیب من شد که بکمک متخصصین فن انجام دادیم البته دستمان به... متخصص شما نرسید اگر نظری دارید باز هم بدهید دیر نشده است چون آئین نامه به تصویب دولت خواهد رسید و بمجلس نخواهد آمد ما مراحل مقدماتی را طی کردیم با سازمان امور اداری و استخدامی مشورت کردیم و آئین نامه را تهیه کردیم آن سازمان نظرات اصلاحی که داشت داد اصلاح کردیم سه روز قبل هم در کمیسیون اداری حزب ایران نوین مطرح شد بکمسیون حزب مردم فرستادیم تمام این لوايح را که من برای تصویب میخواهم بدهم بحزب ایران نوین و به حزب مردم هم میفرستم برای مشاورینی که فکر میکنم میتوانند کمک کنند میفرستم و نظراتشان را میگیرم بعد متخصصین فن می نشینند اگر نظر صحیحی دارند اجرا میشود و اگر نظر صحیحی نبود صرف نظر میشود این لایحه و آئین نامه با این شرایط تنظیم گشته و تقدیم هیئت دولت شده امید من اینست که در اولین جلسه هیئت دولت بتصویب برسد و با رزوی دیرینه ۲۵ ساله کارمندان صدیق شهرداری که در حدود مقدورات و امکانات خود در کمال صداقت کار می کنند جامه عمل پوشانده شود رفع مشکل بشود از افتخارات دیگری که نصیب دولت حاضر شده گامی است که در جهت تکمیل

مشروطیت ایران برداشته شده، هستند کسانی که خوشبختانه بخاطرشان باشد در صدر مشروطیت آزادی خواهان روزی که بفکر ایجاد انجمنهای ایالتی و ولایتی افتادند هنوز بفکر پارلمان نبودند و این دلیل اهمیت است که برای این انجمنها قائل بودند شکر خدای را که ما در اجرای او امر شاهنشاه این قدم را برداشتیم و این سازمانهای دمکراتیک را به بهترین وجهی تشکیل دادیم ولی توفیقشان در گرو پرورش و آموزش است پرورش بدین معنی که ما تمام امکانات را برای پیش برد کارشان در اختیارشان بگذاریم و آموزش از طریق تشکیل کنفرانسهای بزرگ و سمینارهای سودمند و تعلیم در جلسات خصوصی اعضاء انجمنها را پیش از پیش بوظایفی که بموجب قانون بآنها محول شده است آشنا سازیم راجع بانجمنها خود جناب آقای فرهاد پور اشاره کردند اطمینان داشته باشید دولت هم در فکر واگذاری کار مردم بمردم هست و این شعار را بخاطر این انتخاب کرده است که دستور و فرمانی است که از طرف پیشوای عالیقدر ما صادر شده و چاره ای جز اجرا و تعقیب آن نداریم و هر روز گام تازه ای در این مورد بر میداریم و اطمینان داشته باشید ما آنچه قدرت داشته باشیم ناگزیر از اجرای این فرمان هستیم و باید هم بنحو احسن انجام بدهیم آقای نامور مطلبی عنوان فرمودند که اکثریت اتحادیه های صنفی مورد اعتماد نیستند من باید ابتدا در مقابل مجلس شورای ملی سر تعظیم فرود بیاورم بخاطر تصویب چنین قانون مترقی و ارزنده ای بنام نظام صنفی و این اعتقاد من است و امیدوارم ما مجری خوبی برای این قانون باشیم و آنطور که نظر شما مقتنین بوده است آن را اجرا کنیم اما انتخابات اتحادیه ها که در گذشته شده در آینده خیلی نزدیکی تجدید خواهد شد من شرافتم را گرو میگذارم در نزد شما نمایندگان مجلس شورای ملی اجازه اعمال غرض و نظر باحدی در این انتخابات ندهم (احسن) و اجازه بدهم تمام افراد اتحادیه های صنفی پهای صندوق بیابند و بکاندیداهای خود رأی بدهند ولی شما بنام حزب اگر کسی را دارید که جزو حزبان هست تشویق کنید بآید رأی بدهد نظرات بکنید اگر دیدید خطائی مرتکب شدیم ما را استیضاح

بکنید تویخ بکنید (فرهادپور - همان سوگندی که خوردید کافی است من بشارت شما اعتقاد دارم نظارت هم شاید لازم نباشد) این اتحادیه‌ها براساس آزادی کامل تشکیل خواهد شد نمایندگان اتحادیه‌ها اطاق صنفی را تشکیل خواهند داد امیدم این است که تیبی سر کار بیاید که از هر جهت شایستگی و لیاقت اینکار را داشته باشند ولی از این عرضی که در جهت ایجاد سازمانهای دموکراتیک کردم میخواستیم این نتیجه را بگیریم که ما باید اجازه بدهیم انجمنهای شهرمان علیرغم اشتباهاتی که ممکن است مرتکب بشوند تمرین دموکراسی بکنند (احسن) ما نباید دخالت بی‌رویه در کار انجمنها بکنیم پس اگر خطائی در شهرداری که انجمن دارد از شهرداری سر بزند در درجه اول انجمن شهر هست که باید بازخواست کند ولی ما بمقتضای مسئولیت کلی که داریم تذکرات شما و راهنماییهای شمارا بدون شک باختیار انجمنها میگذاریم سعی میکنیم در کوتاه‌ترین مدت اقداماتی که هست انجام بدهیم و انشاءالله انجام هم میگردد این در حدود مطالبی بود که نمایندگان عزیز و ارجمند مجلس شورای ملی درباره وزارت کشور فرموده بودند چون یکی از همکاران عزیز من جناب آقای کاظم زاده وزیر علوم و آموزش عالی در جلسه حضور ندارند در یکی از سخنان سخنرانان اشاره شده بود که وزارت علوم بتربیت بدنی توجه ندارد و بیش از سه نفر مربی تربیت بدنی در اختیارش نیست جواب دادند در این زمینه وزارت علوم بطور کلی سروکار مستقیمی با دستگاههای آموزش از نقطه نظر اجرایی ندارد دانشگاهها هستند که سازمان تربیت بدنی را دارند و بطور مثال یادآور شدند که تنها در دانشگاه تهران ۵۴ مربی ورزشی وجود دارد هفت استاد بیومورزشی دارند و یک دانشکده که مربی تربیت بدنی تربیت میکند و از وجود این مربیان استفاده میشود یک مطلبی که فراموش کردم این بود که به ثبت احوال حمله شده بود سازمان ثبت احوال همانطور که خودتان میدانید از دیرباز آنطور که باید و شاید بآن توجه نشده است علیرغم وظایف حساسی که در سطح مملکت دارد و بر این اساس بفرآیند با کمک متخصصین

بررسیهایی کردند و نظراتی برای دگرگون کردن و متحول ساختن این سازمان دارند برای جلوگیری از شتابزدگی و اشتباه این نظرات در مجامع مختلف مطرح بود ابتدا در واحدیکه مدیران کل و رؤسای ثبت احوال بودند که عمری را در اینکار تجربه دارند مطرح شدند نظرات بسیار ارزنده دادند در دستگاه هیئت مشاورین امیدم این است که در کوتاه‌ترین مدت این نظرات جمع آوری بشود و این قانون را تقدیم مجلس شورای ملی بکنیم و اینجا از نظر صائب شما برخوردار شود و بپایاده کردن این قانون مشکلاتی که وارد بود رفع خواهد شد و آن قسمت که وارد نبود ما خودمان در صدد رفعش هستیم البته این سازمان اعتبار کافی نداشت ساختمان نداشت وسیله نداشت خوشبختانه دولت منتهای مراقبت را در جهت بهبود دستگاه ثبت احوال کرده است و امیدوارم قبل از پیاده شدن قانون گام مختصری در راه اجرای قانون برداریم و بعد از پیاده کردن قانون تأمین رضایت خاطر همه آقایان اعم از اقلیت و اکثریت بشود (احسن).

رئیس - نظر دیگری در کلیات لایحه نیست ؟ (اظهاری نشد) نسبت بشور در ماده واحده رأی میگیریم خواهش میکنم خانها و آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است آقای رامید بفرمائید.

رامید - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم ملت و دولت، در برنامه نبود و بنده قصد صحبتی نداشتم از مبادله دو عبارت کوتاه که موجب سوء تفاهمی شد و جناب آقای دکتر سام استفاده کردند ابتدا برای توضیح عرض معذرت (احسن) در این مورد اجازه صحبت خواستم چون فرمودند من در آن موقع خودم شاهد این معایب بودم نیت من بر این بود که در آن موقع شما در وزارت کشور که با اینکار سروکار داردم متنی نداشتم از لفت بیکار معذرت میخواهم اصولاً جناب عالی اگر که شغل و سمت موظفی نداشته باشید دانش شما و اخلاق هر شخص کافی است که احترام او را نگهداریم خاصه بر اینکه بفرمائید خودتان در بزرگترین کارها یعنی تدریس مشغول بودید (احسن) (عبلهس میرزائی - به بینید اکثریت چه با انصاف است در بیانات

شما احسن گفت و این احسن دارد) بنده باز هم از عبارت بیکار معذرت میخواهم منظورم این بود که در وزارت کشور مسئولیتی نداشتم اما موردی در این بحث منم بود چه پیش آمد که با عبارات خوشبختی با عبارات تشکر شروع باید بکنم من همیشه اعتقاد داشتم که در مجلس ایراداتی، انتقاداتی میشود نواقصی تذکر داده میشود اعم از اینکه این انتقادات هر چه مهم یا جزئی، اصولی یا غیر اصولی مسئولین بهتر است در همان مورد بیانند و صحبت کنند (صحیح است) چه بهتر که این ایرادات وارد نبوده باشد و خارج از این چهار دیواری ملت ایران آنکه صاحب کار اصلی است بدانند که بیش از این و بهتر از این نمی شد کار کرد یک مثال کوچکی بنظم میآید تصور نمی کنم هیچکس که تسبیح بامدادش را فراموش کرده و فکر کرده گم شده یا انگشترش را که پیدا شد اینقدر تعصب داشته باشد که بگوید خیر گم شده خوشحال می شود که بفهمد در قفسه خانه جا گذاشته پس ما که با اسم اکثریت، اقلیت نمایندگان رفسنجان، سیرجان اینجا صحبت میکنیم بلكه مطلب بالاتر از همه این مسائل است و آن ایران و ایرانی بودن و علاقه به مصلحت ملت ایران و رهبر مملکت ایران و اجرای نیات رهبر ملت ایران است پس ما چه تعصبی داریم من دعایمکنم جناب آقای نخست وزیر و همه هموطنان نارفع کسالتشان بشود و خوب بشوند ولی آرزو میکنم دفعات دیگر همه که خوب هستند و به مجلس میآیند یاباز به وزراء مسئول میدان بدهند که بیایند اقلیت و اکثریت و ملت همه را روشن بکنند و با اگر اینطور نیست خود ایشان مسئول دولت هستند همین مطالب را از وزیرایشان بگیزند و این جا مطرح بکنند نه اینکه وقتی که بفرمائید شما هفت ساعت من جسارت میکنم و از هم مسلکانم معذرت می خواهم مطالب ناوارد هم عنوان شده باشد مطلبی است نماینده چند صد هزار نفر با آنکه شما مجری قانون انتخاباتی در یک قسمتی بودید به مجلس فرستادید زبان همه ملت ایران طبق قانون اساسی حق دارد مطلب بگوید و بنام ملت ایران از زبان ملت ایران حق دارد حرف خود را بزند بفرض محال که ناوارد بگوید بفرض محال اگر گفت رئیس دولت ایران

باید بیاید. ملت را روشن بکند که اگر بفرض این انتقاد عنوان شد با احترام آن افراد رأی دهنده نه احترام من یا این شخص را که نماینده شما بود احترام گذاشته و روشن کرده که ۱۲ مدرسه نبوده يك کلاس پائین یابك کلاس بالا بوده این بهتر از این است که آرزو را بر جوانان عیب نگیزند یا فردی را صغیر بخوانند و امثال این مطالب بفرحال من از نحوه تنظیم برنامه اعضای دولت در توضیحات خودشان صمیمانه تشکر میکنم.

رئیس - آقای رامید خوشبختانه در ۲۴ ساعتی که ما جلسه داشته ایم بیش از ۱۵ ساعت را اقلیت صحبت کرد و شاید یکماه دیگر که لایحه بودجه مطرح میشود با این فرصت برای نمایندگان اقلیت وجود دارد.

رامید - ضمن صحبتها بما ایراد گرفته شد که چرا جزئیات میگوئید مشت نمونه خروار است عرض کردم قصد صحبت در اینجا نداشتم ولی گفته شد با همان احترامی که بمجلس دارم و وظیفه خود میدانم آنچه که بیان معتقد هستیم بعرض نمایندگان ملت برسانیم کوچک نیست خانم دکتر فرخ رو پارسای در عصر انقلاب در آنجائی که شما و من اقلیت و اکثریت بزرگ و کوچک همه میگویند نهضت پیشرفت نهضت و وحدت یک دینار هم مشت نمونه خروار است اگر بد خرج شده بدانید در سایر مسائل هم که اینجا عنوان نشد این هست و مشفقانه و شرافتمندانه قبول بفرمائید ریخت و پاش هائی که در بعضی از ادارات شما وجود دارد هیچ سابقه نداشته است. (عده ای از نمایندگان - اینطور نیست)

یکنفر از نمایندگان - شما مدرک بیاورید پشت تریبون ماقبول میکنیم والا با دادزدن که نیست.

قدردان - شما از دیر و زار دارید صحبت میکنید. **عباس میرزائی** - هر چه دلشان میخواهد میگویند و اهانت میکنند.

رامید - صحبت میکنم نه اهانت. نمایندگان محترم دولت فرمایشان مستند به آمار و ارقام و اعدادی بود که در هرحال در صحت و

سقم آن من فعلا مطلبی عنوان نمیکنم برای اینکه بفرمایش جناب آقای رئیس و آنچه از ظاهر امر دیده میشود بعد از صحبت های طولانی خستگی و در محیط عصبانی نمیشود حرف زد.

عباس میرزائی - چنین چیزی نیست شما عصبانی هستید.

قدردان - اینطور نیست اگر حرفی دارید بگوئید شما حقیقت را وارونه جلوه میدهید.

رئیس - آقای قدردان بگذارید صحبتشان را بکنند.

وامبد - ولی توجه بفرمائید با احترام به قوانینی که اشاره فرمودند از این به بعد بلافاصله بعد از توضیحات و آمار و ارقام متصدیان رسمی دولت نه نمایندگان تقاضا میکنم از جناب آقای رئیس مجلس که برای تحقیق لازم صورت مذاکرات و گزارش رسمی وزرا و معاونین آنها بمراجع قضائی برود و پرونده امر خواسته بشود چه ای بسا که در آمار گفتنی ها قدری محتاط تر و دقیق تر و منصف تر باشیم چون آقای وزیر دادگستری نیستند معاون محترم ایشان تشریف دارند حاضر الذهن تر از من هستند میدانند که برای گزارش خلاف يك تعقیبی هست اجازه بفرمائید سر کار خانم و جنابان آقایان مدافعین لایحه اعم از دولتی و مجلسی،

مطالب کاملا صحیح و درستی از پیشرفتهای مملکت عنوان فرمودید ما هم معتقدیم هر ایرانی که چشم بینا و انصافی داشته باشد منکر تمام پیشرفت های خارق العاده و بی سابقه در مملکت خودش نمیتواند باشد اما در دنبال همین انصاف چند قدم با هم جلو برویم اگر این امنیت نبود این پیشرفتهای نمیشد اگر اعتبارات خارجی را بر اساس همین امنیت در اختیار مملکت ما نمی گذاشتند اینکارها انجام میشد؟ اگر سیاست خارجی را با این مدیر بی نظیر از شرق و غرب و شمال و جنوب آنچنان که باید يك ناخدائی در طوفانهای حوادث این چنین سالم نگه نمیداشت این پیشرفت ها میشد؟ اگر نیروی انسانی که چهار وزیر قبل از شما اینجا نشسته بود و بمن آمار داد که ۱۲ هزار دانشجوی ایرانی در بزرگترین دانشگاههای خارجی تحصیل میکنند باز نگفته بودند این پیشرفت ها میشد؟ اگر برنامه ها یکی بعد از دیگری

طبق نوشته های خود شاهنشاه و گزارشات شورای اقتصاد که همه مان خواندیم از دیر زمانی که شما هنوز در هیچ عرصه ای نبودید بوجود نیامده بودید در کار سیاست اگر انقلاب ایران نبود این کارها می شد؟ من نمی خواهم اگر، اگر راتا آخر به تعداد دانه های تسبیح بگویم (عده ای از نمایندگان اکثریت تمام ملت به این مطلب معتقد است) ای کاش به این اگر هائی که من پشت سر هم گذاشتم و گفتم اختراعات بشری و تحولات جهانی را اضافه کنید و شرافتمندانه جواب بدهید که در هر کدام از اینها سرسوزنی حزب و دولت شما سهم و تأثیر داشته است.

عباس میرزائی - من شرافتمندانه می گویم رهبر مملکت و همه ملت ایران آماده فداکاری برای ایران بود و همیشه رجال بودند که چوب لای چرخ دولتها می گذاشتند این امروز و دیروز نیست چرامی خواهید خدمتگزاران مملکت را تخطئه کنید.

وامبد - ولی متشکرم که در هر حال افتخارات کوروش کبیر را منتسب بخود ندانسته آنها شاید بسبب باستانی بودن آنست.

دکتر طالقانی - کوروش کبیر هم مجریان خوبی داشته است (احسنت).

وامبد - در هر حال بسا هم عرض می کنم نه قصد و نه برنامه صحبت داشتم و از جناب آقای دکتر سام باید ممتون باشم که این توضیحات لازم در اینجا عنوان شد ولی برای دوسه جمله بعد از آن عبارات تند بسادآوری بشود اگر حقیقت را بخواهیم وضع ماشیه آن صاحبخانه ایست که نقشه را کشیده پول را تهیه کرده ایده را داده خود سرپرستی می کند و گچ کار و لاقط بالای نردبان کرده که گچ زادرست کند.

عباس میرزائی - گچ کار هنرمند باید باشد. **وامبد** - این گچ کاری نقشه جامع شهر نیست این گچ کاری همانطور که خود جناب آقای دکتر دادفر فرمودند آن سوراخی است که جلوس مسجد سپهسالار و جاهای دیگر ماهها میماند و تمام نمی شود این گچ کاری

جهات را میشناسید شما آدمی بودید که تحرك داشتید و میرفتید و کار را انجام میدادید این را فوراً اتخاذ سند نکنید که از شما تعریف کردم ممکن است با تحركتان مخالف بودم، میرفتید می شناختید اسامی جاها را برای شما نام نمیرم که يك شهرستان با داشتن ۲۶ اداره تابع شهرستان اطرافش هست این نه مدیریت میخواست نه بودجه میخواست نه چیزهای دیگر فقط گچ کاری میخواست این است گچ کاری که از شما میخواهیم از شما نخواستیم که امنیت برقرار کنید (آفرین) اما قبل از پایان دادن بعراضم که این نکته بدولتین محترم مربوط نیست روی سختم به سروران گرامی و همکاران و هم مسلکان خودم هست احتیاجی نمی بینم نماینده اقلیتی که اینجا صحبت می کند اصولا در این جا پیش بیاید که انتقاد مفید است و خیر خواه شما هستیم هیچ وظیفه ای نداریم نماینده مجلس اعم از اقلیت یا اکثریت روزی که اعتبارنامه اش را در این جا تصویب کردید هر راهی که رفت مسئولیتش باشخص خودش هست و هیچ زبینه نمی بینم و معقول هم نیست که نماینده اکثریت یا وزیر دولت بگوید که شما مارا راهنمایی بکنید یا انتقادتان سازنده نبود یا بود من اصلا کی به شما گفتم که خیر شمارا می خواهم من فکر میکنم این طبیعی است به یقین هر حزب مدعی است اگر خود بیاید خیلی بهتر از دیگری کار می کند و هر چه رقیبش زودتر سقوط بکند بهتر است (همهمه نمایندگان).

عباس میرزائی - باید بآن دعا معتقد باشید که برای مشورت نوشته شده.

وامبد - بنا بر این برای شأن مجلس، برای احترامی که برای موکلین خودمان قائل باشیم هیچ این توضیحات در مقابل یکدیگر خیال نمیکنم لازم باشد هر کدام عقیده ای داریم عرضه میکنیم یا تصویب میفرمائید یارد می کنید مردم هم در بیرون قضاوت می کنند ولی بوحدانیت حق اگر قضاوت خود مردم بود آنجائی که شما با اعتراض میکردید اکثریت مردم تأیید میکردند و آنجائی که شما بشما ایندگان خودتان صحیح است میگفتید و تأیید میکردید اکثریت مردم تکذیب میکردند. (چند نفر از نمایندگان اینطور نیست).

اصل بهداشت و درمان تفکیک کردن نیست که شاید آقای دکتر شاهقلی آن موقع هنوز تحصیل میکردند که شاهنشاه ایران نظر داشتند و وظیفه اساسی دولت بهداشت است بهمین مناسبت وزارت بهداشت اسمش تغییر کرد و این گچ کاری آن دستور ۲۰۰ کیلومتر فاصله شیراز تا کازرون طبیب در يك روز برود جراحی بکند و برگردد ولی مریض نباید تصادف بکند نباید احتیاج جراحی داشته باشد مگر روزی که کشیک آن دکتر جراح باشد که از شیراز بکازرون برود که آماده جراحی باشد گچ کاری این است جناب آقای دکتر سام بحمد الله موقی را مراجعه می کنیم که باعتقاد بنده جنابعالی در مهمترین سمت یعنی نمایندگی شاهنشاه و شخص اول دولت در يك استان بودید مطالب آقای زنتاب عرض کردم يك بامبو زدن است بامبو میدانید چیست؟ در گمرک وقتی میخواهند نمونه گیری کنند اموالی که از کشتی پیاده میشود مجال آن نیست که هزاران عدل را باز کنند دوسه تاي آنرا بطور نمونه بسامبو میزنند آن نخود و لوبیائی که دولت شما وارد میکند بازدن بسامبو می بیند این واقعا از همان نخودی است که سفارش داده شده یانه؟ ایشان کار را بصورت بامبو انجام می دهند مسأله چی چی کندی و فلان را بصورت بامبوی کار گفتند شما بعد از من با شرافتی که این نمایندگان مجلس از اکثریت و اقلیت برای شما قائل بودند و اینجا اینطور با صدای بلند تأیید کردند بیائید پشت تریبون و آنچه در استان خودتان در تمام مدتی که شما استاندارش بودید چند سال بودید؟ یعنی زمانی که تقریباً دولت شما سرکار است. سر اینکه قانون تقسیمات کشوری که شاهنشاه توشیح فرمودند آنجائیکه آموزش و پرورش - دارائی بهداشت و سایر وسایر در يك شهرستان جمع شده اند و اهالی شهرستان باید بمركز شهرستان مراجعه کنند آقای فلان وزارتخانه یا فلان اداره بابک سطر بنویسد که این شهرستان مرکزش آنجاست همانطور که پنج تا اداره دیگرش هم آنجاست و همه در آنجا تمرکز پیدا بکنند من مثال نمیخواهم بزنم اگر میل داشته باشید میآیم در دفتر حضرت تعالی چون

ما شما را همیشه اکثریت محترم مجلس خطاب کردیم بیانی بگذارید تجاسی بین افکار اکثریت مردم و گفتار شما در اینجا باشد (احسن)
رئیس - آقای دکتر المونی بفرمائید.

دکتر المونی - بنده قصدم این بود که از دوستان اقلیت تشکر کنم که طی چند روزی که در این ساحت مقدس نشسته ایم وقت گرانبهای مجلس شورای ملی صرف شده واقعا انتقادات سازنده و خیرخواهانه بشنویم و از دولت خدمتگزار حزبی خودمان بخواهیم در اجرای پیشنهادهائی که از طرف دوستان اقلیت داده میشود اقدام بکنند ولی خیلی متأسفم که فرمایش اخیر دوست عزیزم جناب آقای رامبدغیر از این بود من تصور میکنم روی عصبانیت بیان فرمودند من شما دوستان شمارا خیرخواه مملکت و دولت میدانم (صحیح است) شما هیچ وقت آرزوی سقوط دولت منکی با اکثریت ملت را ندارید شما هیچ وقت آرزوی سقوط دولت را که توسط شاهنشاه منصوب شده ندارید آقای رامبد شما اینجا مگر نگفتید عزل و نصب وزراء با شاهنشاه است طبق اصل ۴۶ متمم قانون اساسی حق ندارید شما بگوئید من آرزوی سقوط دولت منصوب شاهنشاه را دارم (آفرین) آقای رامبد ما و دوستان ما و فراکسیون پارلمانی ما با کمال علاقتمندی و حوصله تا بلور انگاه کنید ۱۶ نفر از نمایندگان و همچنین وزراء دولت همه هستند آقای هویلا نخست وزیر شایسته و عزیز ما کمال علاقه را داشت در این جلسات باشند متأسفانه ایشان کسالت دارند بروز که به عیادتشان رفتم می گفتند با اینکه در منتم بودجه مرسوم نیست و کمتر در گذشته این وضع بوده من دلم میخواست با وزراء بیایم و به بینم اقلیت و اکثریت چه طرحها و نظریاتی دارند استفاده کنم در گردش چرخ مملکت من و شما مسئولیت داریم شما در صرف اقلیت و ما در صرف اکثریت بیاید این نظر تان را اصلاح بفرمائید ما شما را خیرخواه می شناسیم ما به شاه دوستی و وطن خواهی شما اعتقاد داریم و معتقدیم شما در راه خدمت بکشور گام برمیدارید و اگر دولت جائی تندرود و خطائی مرتکب بشود تذکر میدید اصلاح

میشود بنده فکر میکنم این جلسات چند روز ما و بخصوص این جلسه امروز ما یک جلسه تاریخی است به بیند در این شرایط از زمان که کشورهای همسایه هنوز مجلس ندارند پارلمان ندارند در این مملکت در سایه اندیشه شاهنشاه در اثر ثبات و امنیت و آرامش چنین مجلسی هست که شما و من ساعتها می نشینیم و حتی راجع به کاغذ برابری یک مدرسه هم بحث میکنیم و ما با هم حاضریم بحث ادامه یابد مجلس ما مجلس انقلابی است ما حاضریم تا هر ساعت که دلتان میخواهد بنشینیم ولی انتظار داریم از دوستان شما که بیایند مسائل اصولی را مطرح کنند مشکلات از این مهمتر هست ما بزودی در فراکسیون خودمان اینها را مطرح میکنیم ما هم معتقدیم که باید بدولت کمک کردیاری کرد و اگر جایی هم وزیری معاونی اشتباه کرد باید راهنمایی اش کرد مملکتی که با این سرعت پیش میرود و رشد بیست درصد دارد با این برنامه های وسیع عمرانی و اقتصادی با این همه تحرک مسلماً نواقصی دارد اگر کسی کاری نکند که اشتباهی نمیکند ما افتخار میکنیم که نماینده ملت ایران در عهد انقلاب هستیم من ابراد دارم به آنها نیکه خدای نکرده شخصیت نمایندگان را که اینجا نشسته اند خدشه دار کنند همه ما در حوزه های انتخابیه خودمان با مردم ارتباط داریم اشاره شد به رأی ۵۰۰ هزار نفری به امروز مملکت سیستم حزبی دارد ما از برکت وجود شاهنشاه ایران سیستم حزبی داریم شاهنشاه سالهاست که امر میفرماید باید مملکت ایران سیستم حزبی داشته باشد چرا برای اینکه باین نتایج درخشان برسیم. عباس میرزائی کارگر است ولی افتخارش این است که عضو حزب ایران نوین و فرزند انقلاب است خانم دکتر پارسا وزیر حزبی است و فرزند انقلاب است ما وظیفه دار هستیم دولت انقلابی و دولت خدمتگزار را یاری کنیم اگر جائی هم واقعا احساس میکنیم اشتباهی هست خطائی هست صمیمانه بیایم تذکر بدهیم آئین نامه مجلس همه گونه اختیار بما داده می توانیم سؤال کنیم استیضاح کنیم این اختیارات هست چرا ما عاشق دمکراسی هستیم ولی از حکومت عدد می ترسیم اگر اصل دمکراسی

را قبول دارید حکومت عدد را هم قبول کنید وقتی ۲۲۹ نفر منتخب ملت ایران اینجا نشسته اند و اینها عضو حزب پاسدار انقلاب هستند و از یک دیسپلین حزبی تبعیت میکنند نیاید این اصول را خدشه دار کنید مطالب زیادی اینجا بحث شد اشاره به ریخت و پاش شد همیشه در دولت ها ریخت و پاش بوده من در کار روزنامه خودم خیلی تلاش میکنم جلوی ریخت و پاش را بگیرم ولی بهر صورت اشکالاتی در اجرای کار هست باید بکوشیم که جلوی ریخت و پاش را بطریق منطقی و صحیح بگیریم مملکتی است وسیع یک جا ایجاد میکند سرمایه گذاری در پتروشیمی بشود یکجا باید راه بساریم من هم باشم. ما موافقم باید در یک کشور انقلابی کشوری که به همت شاهنشاه دارای رشد بیست درصد اقتصادی است و این چنین سرعت جلو میرود البته باید جلوی ریخت و پاش ها گرفته شود ولی بیایم بگردیم پیدا کنیم و انگشت بگذاریم تنها حرف زدن کافی نیست من اطلاع دارم که شخص نخست وزیر و دولت علاقه کامل دارند که جلوی کارهای لوکس و تجملی را بگیرند اما میشود گفت مدرسه اجاره نکن فرزندان کشاورزان ما و او در مسجد هم که شده باید بنشینند و درس بخوانند در خانه اجاره ای هم که شده باید نیروی انسانی سالم داشته باشیم ما نمیتوانیم باین صورت فکر کنیم که چون اجاره مدرسه میخواهیم بدهیم از تربیت فرزندان مملکت غافل شویم من به شاه دوستی و وطن پرستی شما اعتقاد دارم و فرمایشات امشب شما را رد میکنم و با آن مخالفم به بیند آنچه شما خواستید با ارقام و اعداد آمدند شما توضیح دادند حق بود تشکر میکنم دولت کراراً شخص نخست وزیر گفته است به همکارانشان که هیچ چیز از ملت ایران بخصوص نمایندگان ملت پنهان ندارد. مطالب محرمانه نداریم بنابراین چه حالا و چه بعد از این همیشه این آمادگی برای دولت هست جناب آقای فرهادپور گفتند اگر المونی بگوید شب است همه میگویند شب است آقای فرهادپور عزیز ما فراکسیون داریم ما کمیته مرکزی داریم ما حوزه های پارلمانی

داریم و از همه مهمتر انضباط حزبی داریم شما بدانید یک لایحه ای پس از طی این مراحل می آید مسئول این فراکسیون هر کس باشد اینها همه دقیقاً بدلائل تهیه آن لایحه واقفند و رأی موافق میدهند و این بخاطر این نیست که من سر خود اینکار را می کنم ماطبق فرمایش شاهنشاه انضباط پذیرفته شده و منطقی را قبول کرده ایم ما در فراکسیون این مسائل را بررسی میکنیم قبول میکنیم و تصویب میکنیم ما میدانیم بچه رأی میدهیم ولی معذرت میخواهم اگر دیگران انضباطی ندارند و هم بستگی ما را ندارند و مگر هر کدام راهی جداگانه میروند ما چنین نیستیم ما یک انضباط صدر صد حزبی داریم به پشتیبانی از دولت حزبی خود افتخار میکنیم تردید نداریم در این برهه از زمان این توفیق نصیب ما شده که بتوانیم در اجرای نیات شاهنشاه آریا مهر خدمتگزاران صدیقی برای شاهنشاه و ملت ایران باشیم (آفرین).

رئیس - نظر دیگری در ماده واحده نیست (اظهاری نشد) پیشنهاد رسیده قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

خواهشمند است مقرر فرمائید تبصره زیر به تبصره های دائم متمم بوده اضافه شود.

تبصره - مبلغ چهارصد میلیون ریال اعتبار مسکن و خانه سازی موضوع ردیف ۵۱۱۱۵ به اعتبارات مندرج در بند ۲ فصل دهم قانون برنامه عمرانی چهارم کشور افزوده میشود.

یزدان پناه

رئیس - آقای دکتر یزدان پناه بفرمائید.

دکتر یزدان پناه - بطوریکه نمایندگان محترم استحضار دارند در بند دوم فصل دهم قانون برنامه عمرانی چهارم اعتباری برای مسکن پیش بینی شده بود و رقم چهارصد میلیون ریالی که دولت در امر برنامه خانه سازی در بخش پنجم این متمم بودجه پیش بینی کرده است در حقیقت باید به اعتبار مندرج در بند ۲ فصل دهم قانون برنامه عمرانی چهارم اضافه شود و چون در حقیقت تجاوز از اعتبار پیش بینی شده است

موافقتند خواهش می‌کنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)
تصویب شد لایحه غیر از تبصره های ۱۳ و ۱۴ برای اظهار
ملاحظات و دو تبصره ۱۳ و ۱۴ برای تصویب به مجلس سنا
فرستاده می‌شود.

۳ - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را
ختم میکنیم تاریخ و دستور جلسه آینده بعداً با اطلاع
همکاران محترم خواهد رسید.

(جلسه در ساعت ۸ بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

که قبلاً به مصرف رسیده است لذا لازم بود برای اینکه اشکالی
در عمل پیش نیاید تبصره‌ای برای تأمین این نظر در متمم
بودجه پیش‌بینی شده باشد برای این نظر بنده این تبصره
را پیشنهاد کردم که امیدوارم مورد قبول نمایندگان محترم
قرار گیرد.

رئیس - نسبت باین پیشنهاد نظری نیست؟ (اظهاری
نشد) باین پیشنهاد رأی می‌گیریم خانمها و آقایانی
که موافقتند خواهش می‌کنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)
تصویب شد در کلیات آخر لایحه نظری نیست؟ (اظهاری
نشد) نسبت باین لایحه رأی می‌گیریم خانمها و آقایانیکه